

سیر تحول مسجد جامع فرومد با تأکید بر افزوده‌های دوره ایلخانی*

کاوه منصوری**

فرامرز پارسی***

فرشید رحیمی کلهرودی****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

علمی پژوهشی

چکیده

مسجد جامع فرومد، از جمله مساجد دویوانی خراسان بزرگ است که در منطقه جوبین خراسان و در میانه روستای تاریخی فرومد قرار دارد. اگرچه تأکید بر دوره‌های متعدد ساخت آن، وجه تشابه گزارش‌های موجود در باب بناست، در تاریخ احداث و توسعه بنا و معرفی حامیان و صنعتگرانی مؤثر بر ساخت بنا، اختلاف نظرهای جدی دیده می‌شود. آنچه مسلم است وجود دوره‌های تغییرات کالبدی در مسجد اولیه و دیگر گونی آن در دوره‌های متأخر است که به سبب وقوع زمین‌لرزه‌های شدید در منطقه، که شرح آن‌ها در اسناد مکتوب وجود دارد، تعمیر و بازسازی بنا را اجتناب‌ناپذیر کرده است. پژوهش حاضر با تأکید بر اهمیت مسجد جامع فرومد و با هدف تدقیق تاریخ احداث بنای اولیه، تحولات ادواری و توسعه‌های کالبدی و شناخت افراد مؤثر در احداث بنا، به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته است. راهبرد اصلی پژوهش، بهره‌گیری از رویکرد توصیفی تحلیلی است و در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌ها، پژوهشگران با تأکید بر مطالعات میدانی و مستندسازی جامع بنا و انجام مطالعات پی‌گردی، ضمن نمونه‌برداری و مطالعات آزمایشگاهی، اسناد موجود و مکتوبات تاریخی را بررسی و تحلیل کرده‌اند. بر مبنای یافته‌های پژوهش، اگرچه تزیینات موجود بازگوکننده شیوه ایلخانی است، پی‌ریزی بنای اولیه در دوره سلجوقی یا پیش از آن صورت گرفته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، ساختار مسجد اولیه، تک‌ایوانی بوده که در طی زمین‌لرزه‌های تاریخی منطقه، ویران شده است. در دوره ایلخانی و با ظهور وزیر صاحب‌مقام، علاءالدین محمد فرومدی و توجه وی به زادگاهش، فرومد ارج‌وقربی بیش از گذشته یافت و حاکم‌نشین منطقه شد. علاءالدین در مدت وزارت خود (۷۱۶-۷۳۶ق)، علاوه بر احداث عمارت شهرستان (کاخ اقامتگاهی)، دارالشفای و دارالکتاب در زادگاه خود، حامی مالی عملیات بازسازی و نوسازی مسجد کهن فرومد شد. بر اساس کتیبه‌ای که بر فراز محراب منحصربه‌فرد ایوان جنوبی قرار دارد، اقدامات نوسازی زیر نظر استاد «علی بن محمد محمود الجمالی الشهرستانی» صورت گرفته است. در طی مداخلات دوره ایلخانی، با حفظ بخش‌های باقی‌مانده از تخریب ناشی از زمین‌لرزه، ایوان جنوبی بازسازی و ایوان شمالی برای اولین بار احداث شد. همچنین با شکل‌گیری طاقگان سه‌چشمه‌ای در طرفین غربی و شرقی صحن، ساختار کالبدی بنا تکمیل شد و جداره‌های بیرونی و داخلی با آجرکاری قالبی و گچ‌بری‌های پرکار و ظریف، تزیین شد.

کلیدواژه‌ها:

مسجد جامع فرومد، تاریخ ساخت، دوره‌بندی ساختمانی، حامیان و صنعتگران، دوره سلجوقی و ایلخانی.

* این مقاله برگرفته از نتایج مطالعات صورت‌گرفته پروژه طرح مرمت آرکئولوژیک مسجد جامع فرومد است که زیر نظر اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان سمنان در سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ در دیارتمان حفاظت و مرمت مهندسان مشاور عمارت خورشید انجام شده است.
** دکتری حفاظت و مرمت، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، نویسنده مسئول، kaveh.mansoori@gmail.com
*** کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
**** کارشناس ارشد مرمت ابنیه و بافت‌های تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی

شماره ۱۹ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

صفحات ۱۶۵-۱۹۲

۱۶۵

پرسش‌های پژوهش

۱. تاریخ شکل‌گیری اولیه مسجد جامع فرومد چه زمانی بوده است؟
۲. چه اطلاعاتی از حامیان مالی احداث بنا و سازندگان آن در دسترس است؟
۳. دوره‌بندی تحولات کالبدی و آرایه‌های تزئینی بنا چگونه بوده است؟

مقدمه

مسجد دوايوانی فرومد، در مرکز روستای فرومد در میدانگاه سرسنگ، که محل تلاقی محلات سه‌گانه روستاست، قرار دارد. فرومد که مرکز دهستانی با همین نام است، در ۱۸۰ کیلومتری شرق شاهرود، در مسیر جاده سبزوار، در دامنه غربی کوه‌های جغتای (ارتفاعات میندر) جای گرفته است (تصویر ۱، ۲ و ۳).



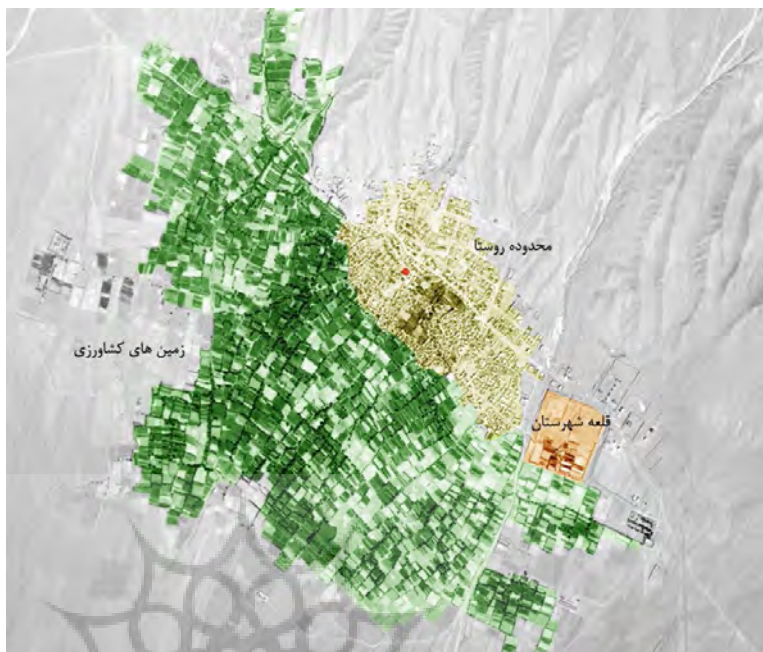
تصویر ۱: موقعیت فرومد در نقشه ایران، سال ۱۳۳۵ش (سازمان نقشه‌برداری کشور ۱۳۳۵)

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۹ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱۶۶

به‌رغم حضور ویژگی‌های معماری ایلخانی در بنا، به‌ویژه در محراب گچ‌بری، کتیبه‌های گلویی ایوان‌ها و نماسازی آجری ایوان شمالی و ترکیب آن با کاشی‌های فیروزه‌ای و لاجوردی، به‌سبب فقدان کتیبه تاریخی، اختلاف نظرهای جدی در تاریخ احداث اولیه و توسعه ادواری بنا میان محققان وجود دارد که بررسی‌های دقیق‌تر را ضروری ساخته است. نکته قابل توجه دیگر، مقایسه مسجد جامع فرومد با ابنیه تاریخی خوارزمشاهی نظیر مسجد جامع گناباد (۹۰۹ق) و مدرسه ملک زوزن (۱۶ق) در اغلب پژوهش‌های موجود و اذعان به هم‌زمانی تاریخ ساخت بنا با آثار این دوره است. این در حالی است که به‌رغم شباهت‌های شکلی و نیز وجود آرایه‌های مشابه میان ابنیه مذکور، مسجد فرومد، تاریخی متمایز از بناهای پیش‌گفته دارد. این تمایز آشکار، با یادآوری وجود محراب اولیه بنا در پایه شرقی ایوان جنوبی و ساختار ساده و کم‌تکلف‌تر آن در قیاس با محراب مسجد زوزن و دیگر ابنیه مشابه، بیش از پیش مشخص می‌شود. چگونگی ساختار مسجد اولیه فرومد، دیگر محل اختلاف بین پژوهشگران است. از یک سو، آندره گدار (۱۳۴۷)، محمدکریم پیرنیا (۱۳۸۲) و محمدیوسف کیانی (۱۳۷۴الف) بنای اولیه مسجد را دوايوانی و متعلق به قرن ۷/۱۳م دانسته‌اند و از سوی دیگر، دونالد ویلبر (۱۳۶۵) از بنایی تک‌ایوانی در دوره سلجوقی (قرن ۵ق) و تحول آن به ساختار دوايوانی در دوره ایلخانی (قرن ۸ق) سخن گفته است.



تصویر ۲: موقعیت مسجدجامع در تصویر هوایی فرومد در سال ۱۳۳۵ش (سازمان نقشه برداری کشور ۱۳۳۵)

به نظر می‌رسد وجود دوره‌هایی از تغییرات کالبدی در مسجد اولیه به دلیل وقوع زمین‌لرزه‌های شدید در سال‌های ۲۴۲ق در نیشابور، ۴۴ق در بیهق، ۵۴۰ق در نیشابور، ۰۵ق در نیشابور و بیهق، ۳۹ق در نیشابور، ۶۹ق در نیشابور، ۷۳۷ق، ۷۹۱ق در نیشابور و بیهق، ۸۰۸ق در نیشابور و... (آمبرسیز و ملویل ۱۳۷۰) از یک سو و بروز جنگ‌های پی‌درپی (به‌ویژه حمله مغول و قیام سرداران) از سوی دیگر، تعمیر و عمارت مجدد بنا را ضروری کرده است. با توجه به آنچه گفته شد، پژوهش حاضر با تأکید بر ساختار فضایی مسجدجامع فرومد و تزیینات غنی آن و با هدف تدقیق محدوده زمانی احداث اولیه، تحولات ادواری، توسعه‌های کالبدی و شناخت افراد مؤثر در احداث بنا، به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته است. در جهت پاسخ‌گویی به پرسش‌های اصلی، نویسندگان پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد توصیفی تحلیلی و با تأکید بر مطالعات میدانی، انجام پی‌گردی، نمونه‌برداری و مطالعات آزمایشگاهی و همچنین مطالعه اسناد و مکتوبات تاریخی، به شناسایی ساختار فضایی بنا و تدقیق دوره‌های ساخت آن پرداخته‌اند.



تصویر ۳: راست: موقعیت مسجدجامع در میان محلات پشند، جنان و کوچه‌بالا؛ چپ: سایت پلان مسجدجامع در میدانگاه سرسنگ (عمارت خورشید ۱۳۹۰)

۱. پیشینه پژوهش‌های انجام‌یافته

به‌رغم وجود دیدگاه‌های مختلف در باب تاریخ احداث بنا، ارجاع به پرونده ثبتی مسجد جامع فرومد در فهرست آثار ملی ایران، تاریخ ساخت آن را به قرن هفتم (دوره خوارزمشاهی) نسبت می‌دهد^۱ (پرونده ثبتی اثر ۱۳۳۱). نخستین مطالعه جدی بر روی بنا را آندره گدار انجام داد؛ او در تبارشناسی مساجد ایرانی، با اذعان به تداوم ابنیه خالص ایرانی، به‌ویژه ایوان‌های پارتی، در معماری مساجد نواحی خراسان، به مساجد بامیان، زوزن و فرومد چنین توضیح داده است: «این مساجد، فضای باز و گسترده‌ای بودند که با دیواری کوتاه محصور شده و در انتهای آن، طاق نمای بلندی به‌جای محراب می‌ساختند» (گدار ۱۳۷۷، ۳۷۷). از نظر او، وجود تعداد گسترده‌ای از ابنیه دویوانی در منطقه خراسان، در تداوم سنت‌های پارتی در شمال شرق ایران و ترجیح سازندگان به ساخت مساجد ایوان‌دار، تأثیرگذار بوده است (همان، ۴۰۹). گدار در کتاب *آثار ایران*، به‌طور دقیق‌تر به مسجد جامع فرومد پرداخته است (تصویر ۴). در این نوشتار، او ضمن ارائه اجمالی جغرافیای تاریخی فرومد و تأکید بر اهمیت آن در دوره مغول می‌نویسد: «مسجد بزرگ و باشکوه فرومد قطعاً در هنگامی که شهر فرومد مرکز ناحیه شده، ساخته شده است» (گدار و دیگران ۱۳۷۱، ۲۵۷). وی در ادامه، به تاریخ احتمالی ساخت بنا بر اساس سبک و شیوه خراسانی اشاره کرده و معتقد است که «زمان آن خیلی متأخر بر تاریخ معجم *البلدان* یا قوت حموی نیست و می‌توان از باب احتیاط گفت که در قرن ۷/۱۳ م و هنگامی که پایتخت جوین از آزادوار به فرومد تغییر کرده، ساخته شده است»^۲ (همان، ۲۵۸).

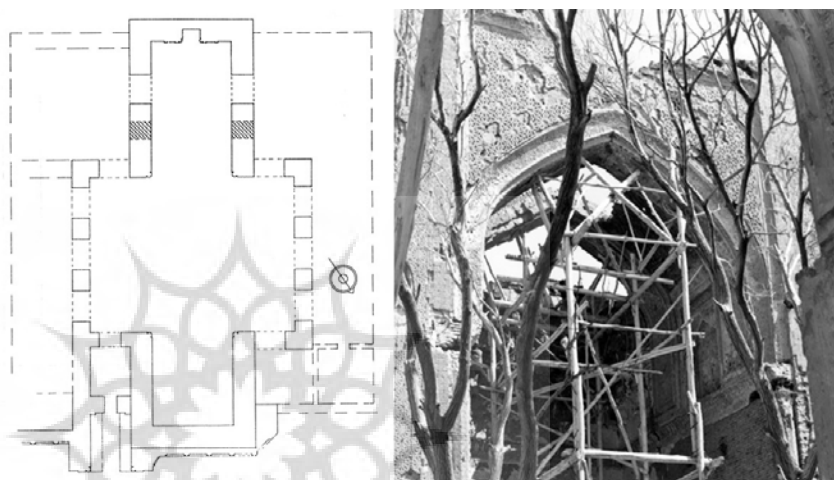


تصویر ۴: راست: مسجد جامع فرومد در سال ۱۳۲۰ ش؛ چپ: پلان مسجد جامع، برداشت شده توسط آندره گدار (گدار و دیگران ۱۳۷۱، ۲۵۸)

گدار ضمن ارائه پلان مسجد فرومد می‌نویسد: «... اکنون به‌قدری ویران است که نمی‌توان فهمید به‌طور کامل چه نقشه‌ای داشته است» (همان، ۲۵۹). او در توضیح ساختار سازه‌ای مسجد به بی‌دقتی در ساخت بنا اشاره کرده و دلیل آن را تفاوت در ساختار ایوان‌های متقابل و نظام ضعیف پی‌سازی آن می‌داند (همان، ۲۵۸). همچنین، گدار ضمن بیان ویژگی‌های تزئینی مسجد و شرح غنای سطوح آجرکاری و گچ‌بری موجود در بنا، به کتیبه‌ای اشاره می‌کند که نام یکی از دست‌اندرکاران ساخت بنا بر روی آن حک شده است. بر روی این کتیبه که در پایه ایوان جنوبی قرار دارد، نوشته شده است: «عمل علی...» (همان، ۲۷۱).

دونالد ویلبر که در فوریه ۱۹۴۶ م از بنا بازدید کرده، معتقد است: «قدیمی‌ترین قسمت مسجد که به دوره معینی می‌توان نسبت داد، در دوره سلجوقی ساخته شده است. کلیه دستگاه در دوره مغول تکمیل شد و بعداً اضافات و تغییراتی در آن به عمل آمد که بعضی از آن‌ها کاملاً جدید است» (۱۳۶۵، ۱۶۸). او معتقد است: «ایوان جنوبی اول در دوره سلجوقی ساخته شد. دیوار شرقی این ایوان سردری با طاق نوک‌تیز دارد که در تجدید ساختمان در دوره مغول [ایلخانی] پر شده است. بر همین دیوار آجرچینی سبکی شکل سلجوقی وجود دارد که در هیچ قسمت از ارتفاع چهار متر بالاتر

نیست و معلوم می‌شود که ایوان اصلی کمی بعد از ساختن سقوط کرده و پایه‌ها و نصف دیوارها در دوره مغول برای تجدید ساختمان مورد استفاده قرار گرفته است. بر دیوار محراب از لای شکاف‌های گچ‌بری دوره مغول، اثر تزئینی گچی دوره قبل مشهود است» (همان). او با فرض تک‌ایوانی بودن مسجد نخستین، معتقد است: «در دوره مغول، ایوان جنوبی دوباره ساخته شد و طاق‌نماهای صحن و کلیه ایوان شمالی برای اولین بار بنا شد» (همان، ۱۶۹). ویلبر با اشاره به تخریب کتیبه‌های مسجد و عدم درج تاریخ احداث بنا، با اشاره به کتیبه بالای محراب، استادکار بنا را «علی الجمی السنایی سمنانی» ثبت کرده است (تصویر ۵).



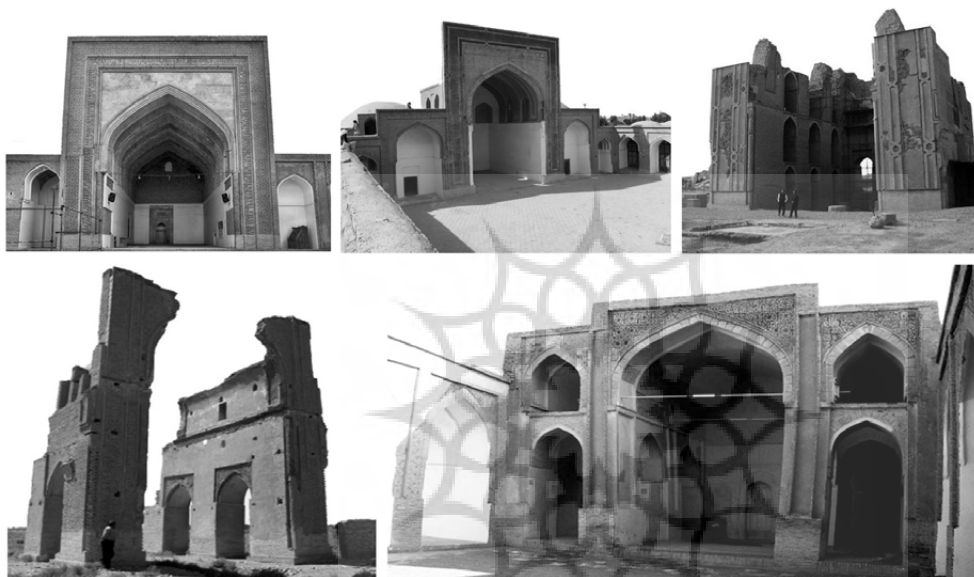
تصویر ۵: راست: دید وضعیت مسجدجامع فرومد در سال ۱۳۴۸ ش؛ چپ: پلان مسجدجامع، برداشت‌شده توسط دونالد ویلبر (ویلبر ۱۳۶۵، ۳۱۲) ویلبر در توضیح بخش‌های هاشورخورده می‌نویسد: «این قسمت‌ها محلی است که سردرهای اصلی دوره سلجوقی در زمان ایلیخانان مسدود شده است.»

همچنین او با مقایسه تطبیقی بنا و طرح‌های تزئینی آن با خانقاه بایزید بسطامی و آرامگاه الجایتو، تاریخ بخش ایلیخانی بنا را ۱۳۲۰ م (۷۲۰ ق) گمان زده است^۱ (همان، ۱۶۷). این تاریخ در پژوهشی دیگر توسط عاطفه شکفته، مبنای مطالعه ویژگی‌های تزئینات گچ‌بری ابنیه ایلیخانی و از آن جمله مسجدجامع فرومد قرار گرفته است (شکفته ۱۳۹۱، ۷۹). پیرنیا با اشاره به وجود الگوی مساجد ایوانی در خراسان، مساجد جامع گناباد، فردوس و فرومد را از جمله ابنیه دانسته و معتقد است: «پیشانی یا ایوان که بر گیره آن گیری یا ایوان تابستانی بوده و در سوی بسیار و پشت به آفتاب ساخته می‌شده، تهرنگی درخور برای نماز داشته است» (پیرنیا ۱۳۸۶، ۱۷). وی با تأکید بر ارجاع تاریخ ساخت این ابنیه به قرن هفتم هجری، خراسان را مبدأ پیدایش ابنیه دوايوانی دانسته و معتقد است: «اگر در مناطق دیگر هم باشند، از آغاز چنین نبوده و در پی حذف و الحاقات دوره‌های متأخر، چهره دوايوانی به خود گرفته‌اند» (همان).



تصویر ۶: وضعیت مسجدجامع و ایوان جنوبی آن در زمان بازدید شیلا بلر در سال ۱۳۶۳ (Archnet.org)

محمدیوسف کیانی مسجدجامع فرومد را از آثار دوره خوارزمشاهی قلمداد کرده و با تأکید بر وجوه ویژه هنر خوارزمشاهی در قیاس با ویژگی آثار متقدم (دوره سلجوقی) و متأخر (دوره ایلخانی) به معرفی سه نمونه از مساجد دوره خوارزمشاهی خراسان (زوزن، گناباد و فریومد) پرداخته است. او در قیاس مسجدجامع فرومد با مسجد زوزن، آن را بنایی متعلق به اوایل قرن هفتم دانسته است (کیانی ۱۳۷۴، ب، ۶۷). کیانی با اشاره به احتمال تخریب بنا در طی زلزله‌های منطقه خراسان، به مرمت مسجد در دوره ایلخانی اشاره کرده و بازسازی و دوباره‌سازی ایوان شمال را به این دوره نسبت داده است (تصویر ۷).



تصویر ۷: مساجد ایوانی خراسان (به ترتیب از راست و بالا: زوزن، فردوس، گناباد، سنگان و خسروشیر) که علاوه بر ساختار مشابه با الگوی فضایی مسجد فرومد، در قرابتی آشکار، به سبب زمین لرزه‌های متعدد تاریخی، عموماً با شکست طاق و اعوجاج پایه‌های باربر مواجه‌اند (آرشیو شخصی پژوهشگران).

ابراهیم زارعی نیز در پژوهش خود، با تأکید بر مسجدجامع فرومد به‌عنوان مهم‌ترین اثر به‌جامانده از علاءالدین محمد فرومدی در مرکز حکمرانی‌اش، بنای اولیه آن را به اواخر دوره سلجوقی یا اوایل دوره خوارزمشاهی نسبت داده و به بازسازی کامل آن در زمان ایلخانان اشاره کرده است (زارعی ۱۳۹۰، ۹۱). پریش اکبری نیز همچون زارعی و کیانی، ضمن بیان ویژگی‌های مساجد خوارزمشاهی خراسان، از جمله پلان دوايوانی، شیوه پوشش سقف ایوان‌ها و استفاده از آجر تراش و... بر احتمال هم‌زمانی بنا با دیگر ابنیه تاریخ‌دار دوره خوارزمشاهی تأکید کرده است (اکبری ۱۳۷۷، ۱۶۷). بر اساس آنچه گفته شد، نظریه واحد و پذیرفته‌شده‌ای در خصوص تاریخ ساخت، دوره‌بندی توسعه، سازندگان و بانیان بنا وجود ندارد. نکته بسیار مهم دیگر، عدم بررسی اسناد و مکتوبات تاریخی در ردیابی تاریخ ساخت بناست؛ به‌گونه‌ای که در هیچ‌یک از اسناد به وجود بنا در دوره سلجوقی (پیش از ۵۵۰ هـ.ق) اشاره نشده است؛ امری که به نظر می‌رسد سبب بروز اختلاف در تاریخ ساخت بنا و شکل‌گیری فرضیه نادرست در این خصوص شده است. نکته مهم دیگر، تداوم فرضیه اثبات‌نشده تعلق بنا به دوره خوارزمشاهی در آراء و افکار پژوهشگران است؛ به‌گونه‌ای که بر اساس تأکید پرونده ثبتی بر سده هفتم به‌عنوان تاریخ ساخت بنا، اکثر مقالاتی که با هدف بررسی تطبیقی نگاشته شده، با فرض ساخت بنا در دوره خوارزمشاهی به قیاس آن با بناهایی نظیر گناباد (۶۰۹ هـ.ق) و زوزن (۱۶ هـ.ق) پرداخته‌اند (شریفی و راهنمای ۱۳۸۶؛ افرون ۱۳۸۵؛ اکبری ۱۳۷۷).

۲. جغرافیای فرهنگی، تاریخی و سیاسی فرومد

فرومد یا چنان که در کتب تاریخی اشاره شده، فریومد، مرکز ناحیه جوبین، از مهم‌ترین پایگاه‌های شیعه در دوره ایلخانی و مرکز نهضت سربداران است (اسمیت ۱۳۶۱، ۱۲۳). این منطقه از گذشته تاکنون، بخشی از خراسان بزرگ محسوب می‌شده و روایات معتبری از اهمیت منطقه جوبین و بیهق، که فرومد جزئی از آن بوده، در کتب تاریخی ثبت شده است^۵ (ابن اثیر ۱۳۸۰، ۸۴). ابوالحسن بیهقی هنگامی که از بنای شهر سبزوار سخن می‌گوید، سبزوار را در اصل، «ساسویه‌آباد» می‌داند که توسط ساسویه بن شاپورالملک بنا شده است: «... و گفته‌اند که پسر ساسویه یزدخسرو بود که خسروشیر، فریومد، جوبین، خسروآباد بیهق و خسروجرد را بنا کرده است» (بیهقی ۱۳۶۱، ۴۱). فریومد که جزء روستاهای جوبین نیشابور بوده است، تا سال ۳۰ و ۳۱ هجری تحت اقتدار ساسانیان بوده تا اینکه عبدالله بن عامر نیشابور را فتح کرد (حقیقت ۱۳۹۰، ۷۶). حمدالله مستوفی در باب فرومد چنین می‌نویسد: «جوبین ولایتی است که پیش از این داخل بیهق بوده است و اکنون مفرد است و قصبه فریومد آنجاست» (مستوفی ۱۳۳۶، ۱۳۷). بیهقی ضمن معرفی دهستان و مراکز جمعیتی سبزوار می‌نویسد: «در این ناحیت در پانزده موضع، نماز جمعه رفتی و خطبه: جوبین، سبزوار، خسروجرد، کسکن، سدیر، کراب، باشتین، نامن، دیوره، چشم، خسروآباد، مزینان، بهمن‌آباد، فریومد، بیشین؛ که امروزه در هشت موضع می‌رود» (بیهقی ۱۳۶۱، ۴۲). عبدالحمید مولوی در توضیح موقعیت فریومد می‌نویسد: «اضافه بر دوازده ربع قدیمی سبزوار به‌استثنای فریومد، تمام خاک جوبین صفی‌آباد که بین اسقراین و نیشابور کنونی واقع شده، جزء سبزوار منظور گردیده است. مرکز دهستان، فرومد است و از شش آبادی تشکیل شده است. جمعیت آن حدود شش هزار نفر و قراء مهم آن فیروزآباد و عباس‌آباد است و مسجدی نیکو در آن هست» (مولوی ۱۳۷۰، ۲۶۰).

یکی از وقایع مهم تاریخی فرومد در سال ۵۳۷ق، آمدن ینالتکین بن محمد خوارزمشاه به آنجا و سوزاندن درخت سرو روستاست که این واقعه را بیهقی ذیل عنوان «قصه سرو دیه کشر و فریومد» وصف کرده است: «زرتشت که صاحب‌المجوس بود، دو طالع (سرزمین) اختیار کرد و فرمود تا بدان طالع دو درخت سرو بکشتند: یکی در دیه کشر [کاشمر] و یکی در دیه فریومد» (بیهقی ۱۳۶۱، ۲۸۱). بیهقی با اشاره به داستان سرو کاشمر - که داستان آن در شاهنامه نیز آمده است - و بریدن آن به دستور المتوکل علی الله جعفر بن معتصم، خلیفه عباسی، به دست حسین نجار در سال ۳۴۶ق، در شرح سرو فریومد می‌نویسد: «... و سرو فریومد عمر و بقا بیش از آن یافت و مدت بقای این سرو در فریومد هزار و ششصد و نود و یکسال بود... پس امیر اسفهل سالار ینالتکین بن خوارزمشاه فرمود تا آن را بسوختند» (همان، ۲۸۳). این داستان را به شرحی دیگر، حافظ ابرو نیز نقل کرده است (حافظ ابرو ۱۳۹۰، ۱۶۴).

اهمیت و اعتباری که فرومد و جوبین در قرون ۷ و ۸ق به دست آوردند، با هیچ دوره دیگر قابل مقایسه نیست. با آشننگی اوضاع خوارزمشاهیان، مغولان از جیحون گذشته، شهرهای خراسان و از آن جمله بیهق و جمله قصبات آن را یکی پس از دیگری تسخیر کردند (شیرازی ۱۳۴۶، ۳۲۱؛ ابن اثیر ۱۳۸۵، ۱۲۴)؛ بدین ترتیب، تمامی خراسان به تصرف مغولان درآمد. با مرگ چنگیز، هولاکوخان که نوه فاتح مغول بود، سراسر ممالک اسلامی را دوباره فتح کرد و حکومت ایلخانان را بنیاد نهاد (پوسپورت ۱۳۷۱، ۲۱۹). پطروشفسکی در این باره می‌گوید: «در این زمان، در تمامیت ممالک به عمارت آن مشغول‌اند، و دیوان خالصجات عظیم، بارونق و هر سال محصول آن زیادتر می‌شود، و زود باشد که خرابه کم یافت شود» (۱۳۶۵، ۵۵). حمدالله مستوفی به محصولات فراوان غلات و میوه در ناحیه فریومد اشاره کرده که دلیل بر آبادانی آن بعد از حمله مغول است (مستوفی ۱۳۳۶، ۱۸۴).

پس از مرگ غازان‌خان در شوال ۷۰۳ق در تبریز، اولجایتو زمام امور را به دست گرفت. اوج پیشرفت و آبادی فریومد در همین سده‌ها می‌باشد (بویل ۱۳۹۷، ۳۱۶). پس از آن و در زمان سلطان ابوسعید، به دلیل وضع آشفته اقتصادی کشور و از همه مهم‌تر، مظالم بی‌حدوحصر مأموران و وصول مالیات، ناراضیاتی مقدمات جنبش آزادی‌بخش سربداران با رهبری «شیخ خلیفه مازندرانی» و بعدها «شیخ حسن جوری» در منطقه بیهق به مرکزیت باشتین، جوبین و فریومد فراهم شد. «همین زمان اوج آبادانی فریومد محسوب می‌شده که حاکم‌نشین منطقه بوده و علاءالدین محمد هندو، در آنجا سکونت داشت» (حقیقت ۱۳۹۰، ۲۴۴). در سال ۷۳۶ق، جنبش سربداران در بیهق به نتیجه رسید. میرخواند، مورخ دربار تیمور،

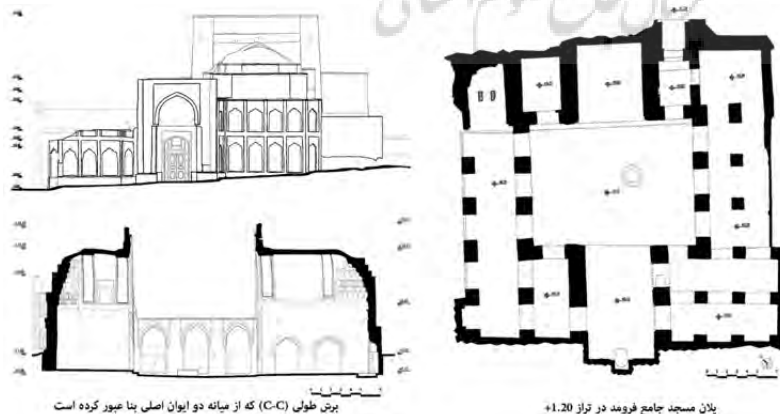
داستان شکل‌گیری این جنبش را در کتاب *روضه الصفا* نگاشته است (میرخواند ۱۳۸۰، ۶۰۴؛ خواندمیر ۱۳۸۰، ۳۶۷). نیروهای عبدالرزاق که به‌قدر کافی ورزیده و آماده جنگ شده بودند، در خلال صفر ۷۳۸ق، با موفقیت تمام، سبزوار و مناطق آن را تحت سلطه خود درآوردند (حافظ ابرو ۱۳۸۰، ۳۵۱). عبدالرزاق در مدت یک سال و دو ماه حکومت خود، جوین، اسفراین، جاجرم، بیارجمند را تصرف کرد. او خود را امیر نامید و بر مسند حکومت تکیه زد و خطبه و سکه به نام خویش زد و مراسم مذهب شیعه معمول شد. عبدالرزاق در جوین و فرومد کشتار زیادی کرد (اسمیت ۱۳۶۱، ۱۲۰). در این زمان، خواجه علاءالدین محمد هندو (فرومدی)، وزیر خراسان که در فرومد و در ارگ شهرستان مستقر بود (تصویر ۸)، به‌منظور مقابله با این جنبش، با آنان به جنگ پرداخت ولی شکست خورد و به‌سوی گرگان پا به فرار نهاد (زنگنه ۱۳۷۸، ۹۳). سرداران علاءالدین را تعقیب کردند و در حدود کبودجامه گرگان، به او دست یافتند و وی را کشتند (مؤلفان ۱۳۶۹، ۳۱۱). «عبدالرزاق، جوین را یعنی جایی که وی خواجه عبدالحق بن علاءالدین هندو را در فریومد (حاکم نشین جوین) به قتل رسانید، به‌شدت درنوردید» (اسمیت ۱۳۶۱، ۱۲۱).



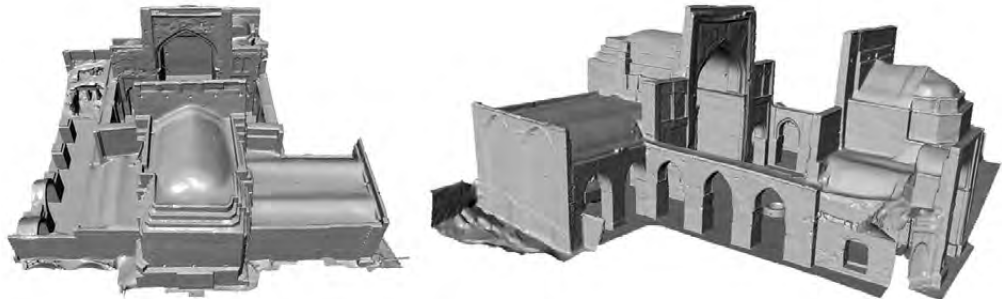
تصویر ۸: تصاویر هوایی اشمیت از فرومد در سال ۱۹۳۷م/۱۳۱۶ش، موقعیت عمارت خواجه علاءالدین محمد فرومدی را نشان می‌دهد (اشمیت ۱۳۷۶).

۳. ساختار معماری بنا

مسجدجامع فرومد به‌شیوه رایج مساجد دویوانی خراسان، در میانه روستا قرار گرفته است. بررسی سازمان‌دهی فضایی بنا، از الگوی ساده آن حکایت دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان صحن، میانی دو ایوان شمالی و جنوبی، دو رشته طاق سه‌چشمه‌ای در نمای غربی و شرقی، چهار گوشواره در طرفین ایوان‌ها و شش‌تانی ضلع شرقی را در ساختار فضایی پلان تشخیص داد. بررسی ساختار بنا نشان می‌دهد به‌رغم تفاوت در جزئیات و تزیینات، نماهای روبه‌رو در ساختار معماری، قرینه‌اند (تصویر ۹ و ۱۰).



تصویر ۹: پلان مسجدجامع، نمای ایوان ورودی و برش طولی بنا (عمارت خورشید ۱۳۹۰)



تصویر ۱۰: مدل سه بعدی مسجد جامع فرمود؛ حاصل از برداشت به روش اسکن لیزری (عمارت خورشید ۱۳۹۰)

در دو نمای اصلی (شمالی و جنوبی)، ایوان میانی با مدل سه پیمون- و الگوی مربع نه قسمتی در پلان- در میانه فضا قرار گرفته است و در طرفین آن گوشواره‌ها جای گرفته‌اند. نکته جالب توجه نماها، وجود طاق نماهایی با تقسیم دوتایی بر فراز گوشواره‌های غربی و شرقی طرفین ایوان‌هاست که به صورت تونشسته، ساختار دواشکوبه نما را پدید آورده‌اند. دو ایوان شمالی و جنوبی با قرارگیری در محور اصلی بنا، محور بصری و کالبدی بنا را تشکیل داده‌اند. دهانه طاق دو ایوان تقریباً برابر و در حدود ۶/۵ متر است، در حالی که عمق دو ایوان متفاوت است. عمق ایوان شمالی ۷/۳ متر بوده و عمق ایوان جنوبی به سبب اهمیت ساختاری و کارکردی خود، ۱۱/۳۰ متر است (تصویر ۱۱).



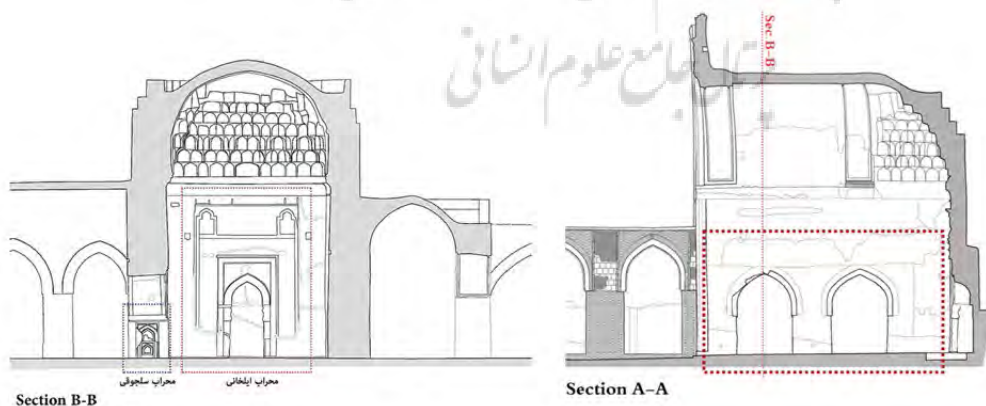
تصویر ۱۱: نمای شمالی (راست) و نمای جنوبی (چپ) مسجد جامع فرمود (عمارت خورشید ۱۳۹۰)

تفاوت دیگر دو ایوان، ارتفاع آن‌هاست؛ به گونه‌ای که ایوان جنوبی حدود ۴۰ سانتی‌متر بلندتر از ایوان شمالی است. اما مهم‌ترین وجه تمایز ایوان جنوبی، تزیینات پرتکلف آن است که با انواع نقوش گچ‌بری اسلیمی، ختایی و تزیینات آجری پوشیده شده است. اگرچه نمای هر دو ایوان با گره‌سازی آجری با استفاده از آجر قالبی و کتیبه‌های خط ریحان تزیین شده، محراب منقوش گچی و آرایه‌های گچ‌بری نشسته بر آسمانه طاق آهنگ ایوان جنوبی، آن را به نمونه‌ای زیبا از هنر و معماری دوره ایلخانی بدل کرده است.



تصویر ۱۲: تزیینات پرتکلف آجرکاری قالبی (نما) و گچ‌بری‌های گلوبی طاق ایوان جنوبی که با کتیبه‌های خط ریحان تزیین شده است.

از دیگر نقوش تزیینی مشترک در ایوان‌ها، گلوبی‌های تزیینی آن‌هاست که با ترکیبی از کتیبه‌های قرآنی (سوره اخلاص) به خط کوفی و ریحان و خطوط باریک اسلیمی و ختایی غنا یافته‌اند (تصویر ۱۲). مقایسه این تزیینات با ابنیه تاریخی‌داری چون مسجدجامع مرند (۷۳۱ق)، مسجدجامع بسطام (۷۰۲ق)، جامع اصفهان (۷۱۰ق)، جامع اشترجان (۷۱۵ق)، پیر بکران (۷۱۲ق)، جامع ورامین (۷۲۲ق) و... قرابت قابل توجه آرایه‌های مسجدجامع فرومد، به‌ویژه در تزیینات محراب را با ابنیه تاریخی‌دار ایلخانی نشان می‌دهد (شکفته ۱۳۹۱، ۸۳). نکته جالب توجه دیگری که در ایوان جنوبی به چشم می‌خورد، حضور محرابی کوچک در دل پایه شرقی است که سادگی نقوش به‌کاررفته در آن و بهره‌گیری از خط کوفی بی‌تکلف، تاریخ ساخت آن را به دوران پیش از ایلخانان ارجاع می‌دهد. محراب یادشده در دهانه شمالی پایه شرقی قرار دارد (تصویر ۱۳).



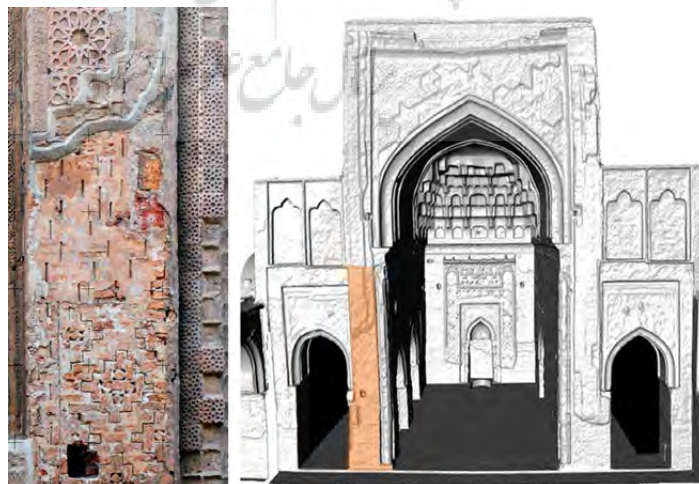
تصویر ۱۳: راست: محدوده دیواره آجری با نقش مهری که تا ارتفاع چهارمتری باقی مانده است؛ چپ: موقعیت محراب متقدم در پایه شرقی (عمارت خورشید ۱۳۹۰)

پایه شرقی ایوان جنوبی دو دهانه رو به شبستان کناری (شرقی) دارد، درحالی که دیواره غربی این ایوان، تنها یک دهانه بازو به سوی گوشواره غربی دارد. دوگانگی و عدم تقارن دو پایه ایوان با مواردی دیگر بیشتر از پیش تقویت می‌شود، تغییر کیفیت آجرکاری از آجرکاری دوتایی با بند مه‌ری در پایه شرقی که تنها تا ارتفاع چهارمتری دیده می‌شود، به آجرکاری ساده پایه غربی، وجود دو لایه کتیبه خطی در دهانه‌های شرقی در قیاس با فقط یک کتیبه که به لحاظ الگوی خط و تکنیک اجرا، با کتیبه دوم پایه شرقی مشابهت‌هایی آشکار دارد، این احتمال را تقویت می‌کند که بنای اولیه، در اثر بروز زمین‌لرزه تخریب شده و در دوره‌های متأخرتر، بازسازی شده است (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۴: موقعیت دیواره آجری پایه شرقی ایوان جنوبی با نقش مه‌ری که تا ارتفاع چهارمتری باقی مانده است.

بررسی تاریخ زمین‌لرزه‌های تاریخی منطقه، به‌ویژه زمین‌لرزه‌های ناحیه نیشابور و سبزوار در سال‌های ۵۰۵ هجری و ۶۹ هجری، که شرح آن‌ها را چارلز ملویل به تفصیل بیان کرده است، این فرضیه را تقویت می‌کند (ملویل ۱۳۶۱، ۴۹). بررسی دقیق‌تر نمای ایوان جنوبی و وجود آجرکاری تزئینی با نقش ترنج در پایه شرقی، که به تبعیت از آجرکاری شیوه رازی (به‌ویژه دوران غزنوی و سلجوقی) به صورت هشت‌وگیر با ساختار بنا چیده شده است، تاریخ ساخت اولیه بنا را به دوران پیش از ایلخانی نسبت می‌دهد (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۵: آجرکاری هشت‌وگیر دوره سلجوقی پایه شرقی ایوان جنوبی (عمارت خورشید ۱۳۹۰)



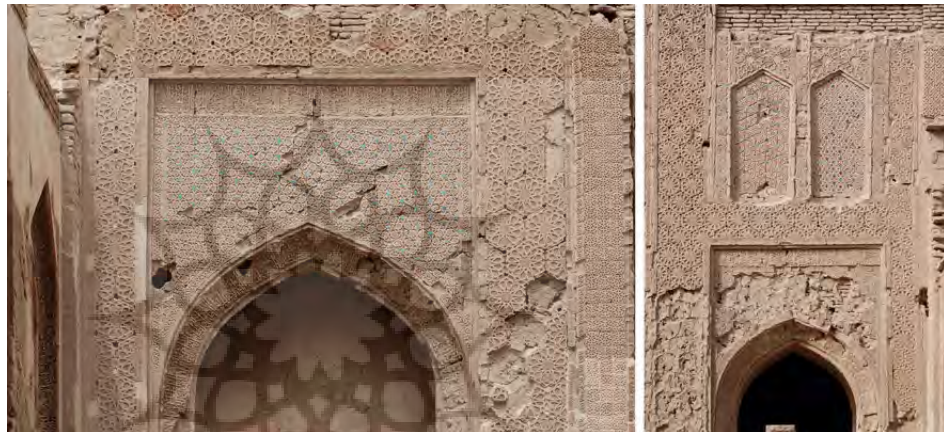
تصویر ۱۶: بالا: طاق‌نماهای سه‌تایی جداره شرقی؛ پایین: تصویر تخت دو نمونه از تزیینات گچ‌بری زیر طاق‌ها (عمارت خورشید ۱۳۹۰)

اگر بتوان از تزیینات ایوان‌ها صرف‌نظر کرد، آنچه ساختار مسجد را از نمونه‌های مشابه خود جدا می‌سازد، تناسب فضایی و ارتفاع قابل توجه ایوان‌ها به نسبت فاصله آن‌ها با یکدیگر است. تناسب موجود، حیاطی با ابعاد حدودی ۱۲/۵×۱۶/۵ متر را فراهم آورده که به سه دهانه طاق تیزه‌دار در اضلاع غربی و شرقی صحن محدود شده است. طاق‌های سه‌تایی پیش‌گفته، هریک با دهانه‌ای برابر با ۲/۵ متر و ارتفاعی در حدود ۶ متر، ساختار هماهنگی به جداره‌های غربی و شرقی صحن بخشیده است. همانند دیگر بخش‌های بنا، این طاق‌نماها نیز با نقوش گره هندسی، حاشیه‌های تزیینی متکلف و کتیبه‌های خطی گچ‌بری تزیین شده‌اند. اگرچه آثار تزیینی سطوح بیرونی این طاق‌نماها به دلیل رها شدن در برابر نزولات جوی از بین رفته، تزیینات گچی زیر تویزه‌های باربر سالم مانده است. این تزیینات به‌شیوه رایج در دوره ایلخانی به‌شیوه کشته‌بری اجرا شده‌اند. در این تکنیک، نقش بر روی یک لایه از گچ، طرح‌اندازی (گرت‌ریزی) شده و برش داده می‌شود. در نتیجه نقش، مشتمل بر خود نقش اصلی و زمینه آن می‌شود (تصویر ۱۶).

۴. تاریخ ساخت و شناسایی بانیان و سازندگان بنا

اگرچه با استناد به پژوهش‌های گدار، ویلبر و پیرنیا و دیگران و نیز ارجاع به پرونده ثبتی اثر، ساخت بنا به دوره ایلخانی نسبت داده شده، هرگونه اظهار نظر در باب تاریخ ساخت بنا به‌سبب آنکه کتیبه تاریخی در بنا یافت نشده است، با شک و شبهه همراه خواهد بود؛ هرچند می‌توان بر مبنای ساختار معماری، تزیینات و دوربندی آن‌ها و نیز مقایسه تطبیقی با بناهای کتیبه‌دار مشابه، تاریخ احتمالی ساخت بنا را به‌تقریب بیان کرد. بررسی کالبد معماری و تزیینات اولیه بنا که در زیر لایه‌ای از آجرکاری دوره متأخر ایلخانی- که در طول زمان فروریخته و لایه‌های زیرینش در معرض دید قرار گرفته است- تاریخ بنا را به دوره‌های پیشین ارجاع می‌دهد. این لایه که به‌صورت آجرکاری تزیینی با نقش ترنج و به‌صورت هشت‌وگیر با ساختار معماری بنا کار شده است، بازگوکننده ساختار اولیه بناست. با یادآوری آنچه ابوالحسن بیهقی (متوفی به سال ۵۵۵ق که کتاب تاریخ بیهقی را در سال ۵۵۰ق نگاشته) در باب برگزاری نماز آدینه در فریومد اشاره کرده، می‌توان چنین تصور کرد که بنا در قرن ششم و در دوره سلجوقی (پیش از سال ۵۵۰ق) کاربرد داشته است.

یادآوری این موضوع ضروری است که اگرچه گذار با احتیاط از ساخت بنا در قرن هفتم سخن گفته، با مقایسه بنا با ابنیه تاریخ‌داری چون بقعه جلال‌الدین در اوسگن، بقعه سلطان سنجر در مرو و رباط شرف، این احتمال را رد نکرده است که بنا در قرن ۶ق/۱۲م ساخته شده باشد (گذار ۱۳۴۷، ۹۵). از سوی دیگر، تزیینات پرتکلف گچ‌بری و مقایسه آن با ابنیه تاریخ‌دار ایلخانی و همچنین آجرکاری‌های قالبی بنا که در بخش‌هایی از نمای جبهه شمالی با کاشی‌های شش‌گوشه فیروزه‌ای و لاجوردی پوشیده شده و مقایسه تطبیقی این آثار با نمونه‌های مشابه، تاریخ ساخت این بخش‌ها را به دوره ایلخانی و هم‌زمان با اقدامات علاء‌الدین محمد فرومدی در ساخت عمارت شهرستان، کتابخانه، بیمارستان عمومی و دارالحديث و بازسازی مسجد کهن فرومد- که شرح مفصل آن در دیوان امیرفخرالدین محمد بن یمین‌الدین طغریایی ملقب به ابن یمین فرومدی (۶۶۴-۷۴۶ق) و نوشته‌های دولتشاه سمرقندی در کتاب *تذکره الشعرا* (۱۳۳۴، ۱۴۳) آمده است- نسبت می‌دهد (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۷: کاربست کاشی‌کاری فیروزه‌ای و لاجوردی در زمینه آجرکاری‌های قالبی و تراش در ایوان شمالی مسجد

وجود لایه‌های تزیینی متعدد در بدنه‌های داخلی و جداره‌های خارجی ایوان جنوبی، از تغییر و تحول در ساختار معماری بنای سلجوقی اولیه حکایت دارد (تصویر ۱۸). این تغییرات، خواه به سبب بلایای طبیعی نظیر زلزله- که به جهت وجود شواهد، از احتمال بیشتری برخوردار است- و خواه به جهت تکمیل کردن و افزودن بخش‌های جدید به بنا، متعلق به دوره ایلخانی است که فرومد به واسطه استقرار علاء‌الدین محمد (وزیر طغاتیمور از حکمرانان محلی اولجایتو) حاکم‌نشین جوین شده است. شبلا بلر در معرفی بانیان و حامیان معماری دوره ایلخانی به خاندان فریومدی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در این دوره، خاندان‌های دیگری نیز به قدرت‌های محلی دست یافتند. در شرق، خاندان فریومدی نزدیک به یک قرن بر ولایت جوین حکم راندند»^۷ (بلر ۱۳۸۷، ۲۲).

مراجعه به دیوان ابن یمین فریومدی، قطعه‌سرایی نام‌آور قرن هشتم، و دیگر کتب تاریخی عصر ایلخانی، در شناخت این خاندان راهگشاست. خاندانی که اعتبار خود را از علاء‌الدین محمد خراسانی- که نام وی علاء‌الدین محمد هندو و علاء‌الدین محمد فریومدی نیز ضبط شده- برگرفته که صاحب منصب و وزیر ایالت خراسان است (حقیقت ۱۳۸۵، ۳۲۰). نام علاء‌الدین در کتاب *تاریخ الجایتو* و در جریان قتل سعدالدین ساوجی و نواب وی و از آن جمله زین‌الدین علی‌ماستری (حامی مالی توسعه خانقاه نظنز) که با سعایت و بداندیشی علیشاه گیلانی گرفتار مرگ شدند، ثبت شده است^۸ (کاشانی ۱۳۶۵، ۱۲۳).

کتاب تاریخی از جمله *جامع التواریخ* خواجه رشیدالدین فضل‌الله تاریخ این دوره را در حدود اوایل قرن هشتم معرفی می‌کند. با توجه به آنچه در خصوص مراجعه علاء‌الدین محمد به دربار طغاتیمورخان پس از وفات سلطان ابوسعید گفته شد و مشخص بودن تاریخ فوت وی (۷۳۶ق) می‌توان تاریخ تقریبی وزارت علاء‌الدین محمد را در حدود ۷۱۶-۷۳۶ق



تصویر ۱۸: راست: تصویر تخت ایوان ورودی که با تزیینات آجری و گچ‌بری‌های نفیس پرداخت شده است؛ چپ: تزیینات گچ‌بری قاب‌نماهای طرفین ایوان شمالی که با کتیبه خط کوفی و اسلیمی‌های ظریف پوشیده شده است. این آثار متعلق به مداخلات دوره علاءالدین محمد است (عمارت خورشید ۱۳۹۰).

تخمین زد. تصاویر اشمیت از فرومد، عمارت شهرستان را که علاءالدین محمد در آن ساکن بوده، ثبت کرده است (اشمیت ۱۳۷۶). وصف این عمارت در اشعار ابن یمین، نشان‌دهنده حضور مداوم علاءالدین در فریومد است (ابن یمین ۱۳۴۴). دولت‌شاه سمرقندی در باب او می‌نویسد: «خواجه علاءالدین محمد به جد از صنایع خراسان است و در روزگار ابوسعید وزیر، استقبال خراسان و امور آن سامان سال‌ها بدو مفروض بوده است و قصبه فریومد و شهرستان را او بنا کرده و عمارتی است عالی و در مشهد مقدس رضوی، ایوان و مناره و عمارت ساخته است» (سمرقندی ۱۳۸۲). بلر نیز با معرفی خواجه علاءالدین به‌عنوان حامی احداث مسجدی در فرومد (تصویر ۶)، او را سازنده مدرسه‌ای کوچک در مجموعه خانقاه تربت‌جام معرفی کرده که به سراچه فرومدی معروف است (بلر ۱۳۸۷، ۲۲).

بررسی کتیبه‌های تاریخی موجود در بنا برای شناسایی اشخاص و بانیان تأثیرگذار در ساخت مسجدجامع، کمک چندانی به شناسایی افراد نمی‌کند؛ فقط یک کتیبه که در بالای محراب ایلخانی در ایوان جنوبی قرار گرفته، معرف فردی است که احتمالاً معمار بنا یا سازنده ایوان یا استادکار تزیینات گچ‌بری بوده است. در این کتیبه نوشته شده است: «عمل علی ابن محمد المحمود الجامی الشهرستانی» (تصویر ۱۹). مراجعه به اسناد و نوشته‌های موجود نشان می‌دهد کتیبه فوق به‌صورت‌های مختلفی خوانده شده است. محمدیوسف کیانی این کتیبه را به‌صورت «عمل علی الحاجی السمنانی» قرائت کرده و گذار فقط به‌عنوان «عمل علی» بسنده نموده است. ویلبر نیز به‌رغم تلاش برای خواندن نام کتیبه، به گفته گذار تأکید کرده است. این کتیبه در حال حاضر به‌سبب تخریب، خوانا نبوده و اطلاعات پژوهشگران از آن، به تصاویر سال ۱۳۸۵ و زمان مرمت‌های استحکامی تزیینات بنا محدود است. بر این مبنا می‌توان پذیرفت که استاد علی بن محمد در دوره علاءالدین محمد می‌زیسته و در این دوره به تکمیل تزیینات بنا پرداخته است. تلاش برای یافتن اثری دیگر از این استادکار در ابنیه دوره ایلخانی، راه به جایی نبرده است.

با توجه به شناسایی دوره متقدم سلجوقی در مسجد که نشان آن را در تزیینات آجری پایه ایوان جنوبی و نیز محراب کوچک‌تر (متقدم) مسجد (که تا اقدامات مرمتی منصور دانشور تهرانی در دهه ۶۰ در دل دیوار آجری الحاقی قرار داشته^۲) می‌توان دید، می‌بایست نام و نشان معمار، سازنده یا بانی دیگری را نیز در بنا جست؛ اما متأسفانه تلاش پژوهشگران تا به امروز، نتیجه جدیدی در پی نداشته است.



تصویر ۱۹: کتیبه گجبری بالای محراب اصلی در سال ۱۳۸۵ (راست) و همان کتیبه در سال ۱۳۹۰ ش

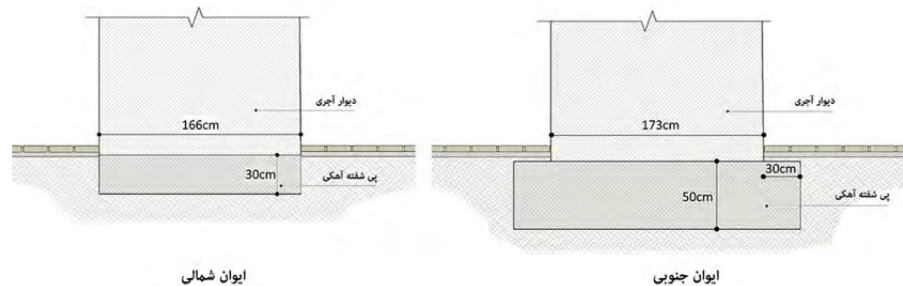
۵. دوره‌بندی ساخت و توسعه

بررسی کیفیت بنا، ساختار فضایی بنا و تزیینات وابسته به معماری، حاکی از وجود دوره‌های متعدد ساخت‌وساز در بناست که به صورت پی در پی بر ساختار اولیه مسجد اضافه شده و ساختار کنونی آن را رقم زده‌اند. در خلال بررسی‌های میدانی و نیز سونداژهای صورت گرفته در ایوان جنوبی، شمالی و طاقگان سه‌چشمه‌ای جداره‌های غربی و شرقی، به نظر می‌رسد گفته و بلبر مینی بر ساختار تک‌ایوانی مسجد در دوره اولیه (سلجوقی) و الحاق ایوان شمالی در دوره دوم (ایلخانی)، از استدلال‌های قوی‌تری برخوردار است. به‌منظور صحت‌سنجی این فرضیه، پژوهشگران به پی‌گردی در بخش‌های مختلف بنا پرداخته‌اند که نتایج زیر مشخص شد:

- بررسی تکنیک ساخت و نظام پی‌ساختی بنا در ایوان شمالی، ایوان جنوبی و طاقگان غربی و شرقی نشان می‌دهد الگوی پی‌سازی در ایوان شمالی، تفاوت‌های آشکاری با دیگر بخش‌ها دارد؛ به عبارت دقیق‌تر، پاشنه پی با بیرون‌زدگی ۳۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر در زیر جرزهای ایوان جنوبی و طاقگان غربی و شرقی مشاهده شده است، در حالی که ایوان شمالی فاقد پاشنه بیرون‌زده در پی است. این پی، فقط ۳۰ سانتی‌متر عمق دارد (تصویر ۲۰ و ۲۱).



تصویر ۲۰: پی‌سازی بنا در ایوان شمالی (راست)، ایوان جنوبی (وسط) و طاقگان غربی و شرقی (چپ) نشان‌دهنده فقدان پاشنه پی در ایوان شمالی برخلاف دو بخش اصیل دیگر بناست. این پاشنه در ایوان جنوبی و طاقگان، ۳۰ سانتی‌متر بیرون‌زدگی و حدود ۵۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد (عمارت خورشید ۱۳۹۰).



ایوان شمالی

ایوان جنوبی

تصویر ۲۱: پی‌سازی ایوان جنوبی (راست) و ایوان شمالی (چپ) و تفاوت آشکار تکنیک‌های ساخت آن‌ها و تمایز در ابعاد پایه‌های برابر (عمارت خورشید ۱۳۹۰)

با انجام مطالعات آزمایشگاهی بر روی ملات‌های به‌کاررفته در ساخت دو ایوان بنا و مشخص شدن ترکیبات شیمیایی موجود در اجزای سازنده آن، مشخص شده است که درصد وزنی این ترکیبات به‌ویژه در MgO ، CaO ، Na_2O ، SiO_2 ، Al_2O_3 ، So_3 و K_2O تفاوت‌هایی آشکار با یکدیگر دارد. این موضوع نشان‌دهنده تغییر نوع مصالح پایه ساخت ملات است. با توجه به اینکه احتمال استفاده از مصالح غیرمشابه در ساخت هم‌زمان ایوان‌ها منطقی به نظر نمی‌رسد، این فرضیه که دو ایوان بنا در تاریخ‌هایی متفاوت ساخته شده‌اند، مستدل تر می‌گردد (تصویر ۲۲).

استدلال‌های پیش‌گفته، نظریه ساختار دوايوانی مسجد اولیه (آنچنان که گذار، کیانی و پیرنیا در باب ساختار بنا گفته‌اند) و قرابت زمانی احداث مسجدجامع فرومد با ابنیه دوايوانی اصیل و تاریخ‌دار گناباد و ملک زوزن را رد می‌کند. آنچه مسلم است تفاوت در شیوه پی‌سازی، ترکیب شیمیایی ملات به‌کاررفته در ساخت دو ایوان (بر اساس آزمایش XRD و XRF)، وجود تنها یک لایه تزئینی در ایوان شمالی در قیاس با حداقل سه لایه تزئینی موجود در ایوان جنوبی، تاریخ ساخت ایوان شمالی را به دوره‌ای متأخرتر از ایوان جنوبی نسبت می‌دهد. تفاوت در ابعاد هندسی ایوان‌های شمالی و جنوبی و ابعاد پایه‌ها، خارج از محور بودن ایوان شمالی به نسبت ایوان جنوبی و تمایز شیوه آجرکاری دو ایوان و نیز تمایز در شیوه پرداخت و عناصر تزئینی به‌کاررفته در ایوان شمالی و قاب‌نماهای طرفین آن در مقایسه با ایوان جنوبی و قاب‌بندی‌های آن و تفاوت در نحوه تزئین آسمانه داخلی ایوان‌های شمالی و جنوبی و... نظریه تک‌ایوانی بودن مسجد اولیه و تبدیل آن به بنایی دوايوانی در دوره ایلخانی را تحکیم بخشیده است (تصویر ۲۳).



مطالعات معماری ایران
 دو فصلنامه معماری ایرانی
 شماره ۱۹ - بهار و تابستان ۱۴۰۰
 ۱۸۰

تصویر ۲۲: تفاوت در ترکیب شیمیایی ملات‌های به‌کاررفته در پایه شرقی ایوان جنوبی (بخش متقدم) و پایه غربی ایوان شمالی (بخش متأخر)، آشکارا بر تفاوت نوع ملات به‌کاررفته در احداث دو ایوان تأکید دارد. این موضوع در کنار عوامل دیگر، بر تقدم زمان احداث ایوان جنوبی بر ایوان شمالی تأکید دارد (عمارت خورشید ۱۳۹۰).



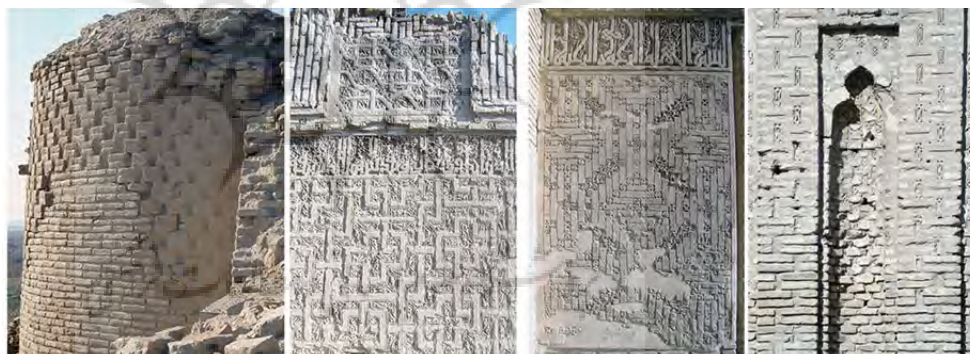
تصویر ۲۳: تفاوت در فرم و نوع تزئینات طاق‌نماهای دوتایی طرفین ایوان جنوبی (راست) و ایوان شمالی (چپ)

حال بر مبنای تحلیل آثار و شواهد موجود در بنا، می‌توان دوره‌بندی توسعه ادواری مسجدجامع را به شرح زیر بیان کرد.

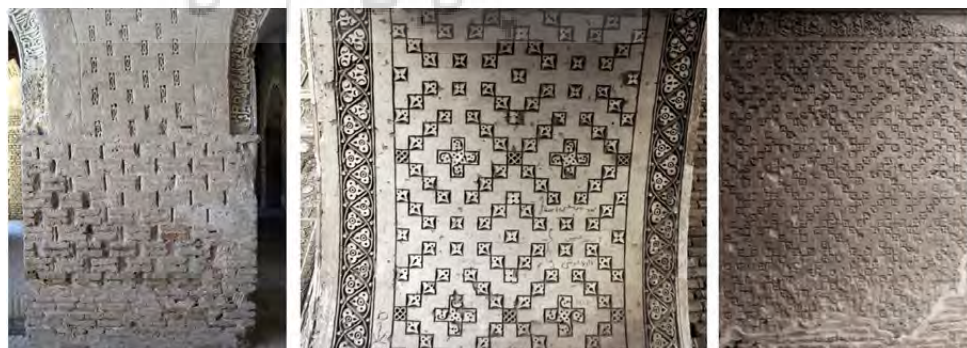
- دوره اول؛ ساختار آجری اولیه (سلجوقی یا پیش از آن)

بررسی پایه شرقی ایوان جنوبی مؤید وجود آجرچینی تزیینی و منقوش با طرح ترنج است که هم‌زمان با ساخت بنا و به‌گونه هشت‌و‌گیر با ساختار آن اجرا شده است. ویلبر این آرایه‌ها را با عنوان آجرکاری سبیدی شکل ثبت کرده است (تصویر ۱۵). با توجه به کیفیت مشابه آجرکاری و گچ‌بری‌های دوره سلجوقی و غزنوی در بناهایی نظیر رباط شرف و رباط ماهی، که گذار نیز آن را تأیید کرده (گذار و دیگران ۱۳۷۱، ۲۷۸)، می‌توان این دوره را زمان شروع احداث بنا تلقی کرد. از سوی دیگر، وجود متون و اسناد متقن تاریخی باقی‌مانده از قرن ششم، از وجود مسجدجامع در فرومد حکایت دارد که با توجه به عدم گزارش مسجد تاریخی دیگر در منطقه، به‌احتمال فراوان، مسجد فعلی همان مسجد مورد اشاره ابوالحسن بیهقی است؛ هرچند از بانی و سازندگان اولیه بنا خبری در دست نیست (تصویر ۲۴ و ۲۵).

بر این مبنای، با توجه به طرح ساده و ابتدایی عناصر تزیینی، می‌توان اولین دوره ساخت بنا را به پیش از دوران ایلخانی (یا غزنوی یا اوایل سلجوقی) نسبت داد. نکته جالب توجه، ذکر این موضوع است که ردپای تزیینات دوره اول در ایوان شمالی دیده نمی‌شود و این خود بر ساخت ایوان شمالی در دوره‌های متأخرتر از ایوان جنوبی تأکید می‌ورزد. همچنین، بررسی پایه شرقی در بخش داخلی ایوان جنوبی، شیوه آجرکاری دوره اولیه را کاملاً مشخص می‌سازد. این آجرکاری که به‌صورت آجرچینی با بند مهری صورت گرفته است، فقط تا ارتفاع حدود چهارمتری دیده شده و در بخش‌های دیگر بنا، حتی در دیواره غربی ایوان جنوبی، مشابهی ندارد (تصویر ۲۶). مراجعه به نظرات ویلبر و فرضیه اولیه در این خصوص، از احتمال تخریب بنا به‌علت زمین‌لرزه‌های تاریخی منطقه حکایت دارد.



تصویر ۲۴: شیوه آجرکاری دوتایی با بند مهری و گچ‌بری با نقوش هندسی در رباط شرف (راست) و رباط ماهی (چپ) متعلق به قرون ۵-۷ هجری



تصویر ۲۵: آجرکاری دوتایی با بند مهری و آرایه‌های گچ‌بری با نقوش هندسی مسجدجامع فرومد که در مشابهت آشکار با رباط شرف و رباط ماهی است.



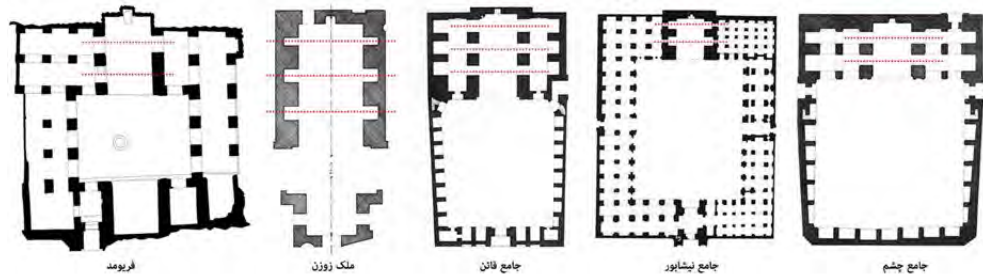
تصویر ۲۶: تفاوت در نوع آجرکاری در دو پایه شرقی (راست) و غربی (چپ) ایوان جنوبی

از قدیمی‌ترین آثار باقی‌مانده از دوره نخست مسجد می‌توان به محراب کوچک با آرایه گچی موجود در دهانه شمالی پایه شرقی ایوان جنوبی اشاره کرد که به نظر می‌رسد هم‌زمان با احداث اولیه بنا ساخته شده است. این محراب که ابتدایی‌تر و ساده‌تر از محراب اصلی ایوان قبله است، ارتفاعی برابر با ۱۳۰ سانتی‌متر و عرض ۹۰ سانتی‌متر دارد (تصویر ۲۷). نوار حاشیه‌ای باریک دورتادور محراب را احاطه کرده و داخل آن، با تزیینات ساده گل و اسلیمی و نقوش هندسی پوشیده شده است. در طرفین قوس داخلی، دو واژه «الله» و «اکبر» به خط کوفی گچ‌بری شده‌اند. بر روی قوس جناغی محراب، کتیبه‌ای از آیات سوره اخلاص به خط کوفی ساده گچ‌بری شده است: «قل هو الله احد، الله الصمد...» تاریخ ساخت محراب مشخص نیست، اما شباهت خط کوفی و طرح‌های تزیینی آن قابل قیاس با آثار دوره سلجوقی و پیش از آن، نظیر کتیبه‌های رباط ماهی، محراب مسجد زوزن و رباط شرف است.

با مقایسه پلان ایوان جنوبی با مساجدی چون جامع خسروشیر، چشم، قائن، سبزواری و ملک زوزن و ساختار قرینه درگاه‌های طرفین در این ابنیه، می‌توان تصور کرد که دهانه شمالی پایه شرقی، قرینه‌ای در پایه غربی نیز داشته است که بعدها و در طی بازسازی‌های متأخر ایلخانی و در جهت تحکیم بنیان‌های سازه‌ای بنا پوشیده شده است (تصویر ۲۸).



تصویر ۲۷: محراب ایلخانی (راست) و محراب [احتمالاً] سلجوقی (چپ) موجود در پایه شرقی ایوان جنوبی (عمارت خورشید ۱۳۹۰)



تصویر ۲۸: مقایسه وضعیت چشمه‌طاق‌های طرفین ایوان جنوبی در مساجد ایوان‌دار خراسان با مسجد فریومد، نشان‌دهنده تغییر ساختار ایوان جنوبی در حین مداخلات دوره ایلخانی است.

حتی ویلبر نیز با توجه به این موضوع، درگاه‌هایی را با هاشور در طرفین ایوان جنوبی نشان داده است. پوشیده بودن دهانه و محراب داخل آن تا اقدامات مرمتی سال ۱۳۵۹ش و وجود صرفاً یک لایه تزئینی بر روی پشت‌بغل‌های طاق بر این نکته تأکید دارد که با نوسازی مسجد در دوره ایلخانی، به جهت قربینه‌سازی پایه‌های ایوان، این دهانه با آجر بسته شده و کل پایه غربی از نو ساخته شده است.

– دوره دوم؛ تکمیل تزئینات بنا با استفاده از تزئینات گچی (اواخر دوره سلجوقی یا دوره خوارزمشاهی)

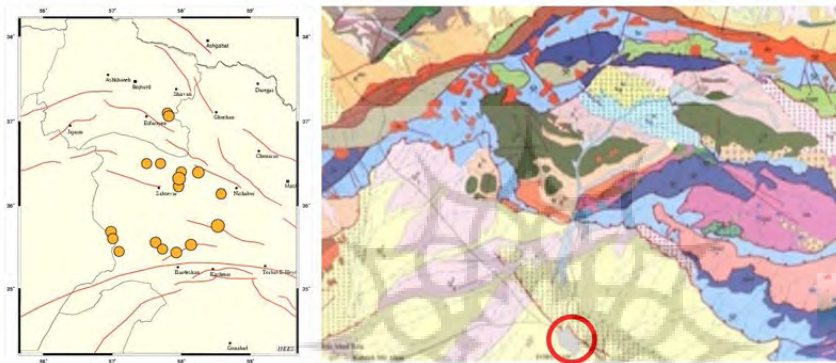
در این دوره که به احتمال فراوان، دوره نخست الحاقات بنا به شمار می‌رود، در جهت غنی‌تر کردن فضای معماری، تزئینات بنا تکمیل شده و بنا دارای تزئینات گچ‌بری تکامل‌یافته‌تری شده است. بررسی پایه شرقی ایوان جنوبی و طاق نمای غربی متصل به آن، از ادامه‌دار بودن تزئینات گچ‌بری موجود در این قاب‌نما بر رویه جرز ایوان حکایت دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان تزئینات این دو بخش را در تداوم یکدیگر مشاهده کرد. این لایه، بعدها در زیر لایه آجرکاری قالبی دوره ایلخانی قرار گرفت. اگرچه به دلیل نبود کتیبه تاریخی‌دار، به‌طور قطعی نمی‌توان تاریخ این تزئینات را مشخص کرد، می‌توان با توجه به پوشیده شدن تزئینات آجری اولیه (نقش ترنج) با لایه‌ای از اندود تزئینی گچی، اقدامات صورت‌گرفته را در تداوم سنت توسعه ادواری و گامی در جهت غنا بخشیدن به بنای اولیه، به اواخر دوران سلجوقی یا اوایل دوران خوارزمشاهی نسبت داد (تصویر ۲۹).



تصویر ۲۹: تزئینات دوره دوم شامل گچ‌بری‌های تزئینی است و بر روی گل‌اندازه‌های آجری و در زیر لایه آجرکاری قالبی ایلخانی قرار دارند.

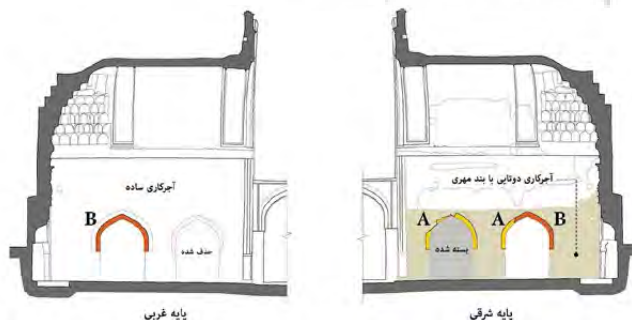
- دوره سوم؛ بازسازی و نوسازی دوره ایلخانی

وجود گسل فعال فرومد - میامی در منطقه و نیز اسناد معتبر مبنی بر بروز زمین‌لرزه‌های تاریخی (۷۶۳م نیشابور، ۸۵۶م قوس، ۱۰۲۵م سبزوار، ۱۰۶۶م قهستان، ۱۱۴۵م نیشابور، ۱۲۰۹م نیشابور، ۱۲۵۱م نیشابور، ۱۲۷۰م نیشابور و...)، شواهد فیزیکی موجود در پیکره مسجد جامع فرومد اعم از ترک‌های عمیق، انفصال ساختاری اجزا و اعوجاج عناصر باربر عمودی در بخش‌های مختلف بنا و نیز مقایسه نوع شکست طاق‌ها و تخریب‌های صورت گرفته در این بنا با مساجدی چون خسروشیر، ملک زوزن، جامع قاین، جامع گناباد، سبزوار، سنگان، رشتخوار که آسیب‌های سازه‌ای یکسانی داشته و دارند، می‌توان تصور کرد که بنا در زمانی پس از احداث، به سبب بروز زمین‌لرزه‌ای شدید (احتمالاً در زلزله سال ۶۴۹ یا ۶۶۹م)، دچار آسیب‌های ساختاری و تخریب‌های متعدد شده که نیاز به بازسازی آن را ضروری کرده است (تصویر ۳۰).



تصویر ۳۰: موقعیت روستا بر روی خط گسل فرومد - عباس‌آباد و موقعیت زمین‌لرزه‌های بالای ۶ ریشتر در محدوده زمانی قرون هفتم تا نهم در خراسان (سازمان زمین‌شناسی کشور، مرکز ژئوفیزیک دانشگاه تهران)

با توجه به آنچه در خصوص آثار اولیه ایوان جنوبی گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که در این دوره، به احتمال فراوان، ایوان جنوبی با حفظ بخش‌های تحتانی (پایه شرقی با آجرکاری دوتایی و بند مهری) بازسازی گردیده و ایوان شمالی برای نخستین بار احداث شده است. در این دوره، مسجد کهن ضمن تحکیم پایه‌ها و احداث بخش‌های ویران، با تزئینات گچ‌بری و آجری زیبایی آذین یافت. در جریان این نوسازی، خطوط کوفی مشجر جدید، روی کتیبه‌های کهن‌تر را پوشانید و محراب مستقر در پایه شرقی ایوان جنوبی با احداث دیواری آجری برای حدود ۷۰۰ سال از دیده‌ها پنهان شد (تصویر ۳۱). در این دوره، کتیبه‌های خط ریحان در زمینه اسلیمی پرکار با آیاتی از سوره اخلاص، گلویی طاق ایوان‌ها را مزین ساخت و محراب اولیه که ویلبر از شکاف میان محراب ایلخانی تشخیص داده بود، با محراب گچ‌بری منقوش و رنگین جایگزین شد (تصویر ۳۲).



تصویر ۳۱: موقعیت تغییرات صورت گرفته در دهانه‌های باز شو پایه‌های شرقی (راست) و غربی (چپ). در طی این مداخلات، دهانه شمالی پایه شرقی با آجر پر شد و محراب سلجوقی پوشیده شد. همچنین، تمام پایه غربی نوسازی شد و به منظور تحکیم پایه، دهانه شمالی این پایه نیز حذف گردید.



تصویر ۳۲: تصویر تخت آثار گچبری طاق ایوان جنوبی که با کتیبه‌های خط ریحان و اسلیمی‌های پرکار در زمینه نقش گره و مقرنس‌های ظریف تزئین شده است (عمارت خورشید ۱۳۹۰).

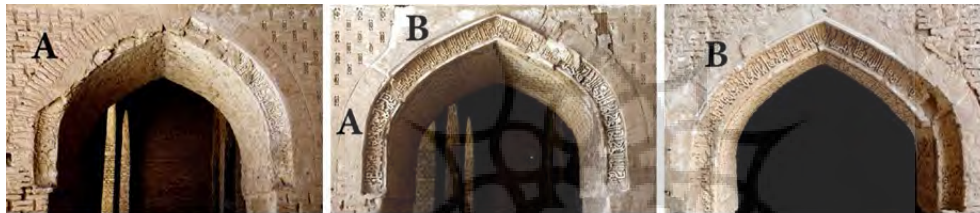
محراب جدید که از کتیبه ساخت آن، فقط عبارت «فی شهر...» باقی مانده است، با ابعادی در حدود ۷۰۰ در ۴۳۰ سانتی‌متر، عمقی برابر با ۹۰ سانتی‌متر دارد. در دو سوی پیشانی آن، گلدانی‌هایی کار شده قرار دارد. زمینه نقوش و طرح‌ها همانند محراب اشترجان، با رنگ لاجوردی و آبی، رنگ‌آمیزی شده است. کتیبه‌های ثلث و کوفی مقعد، نقوش مزین و پرکار و گچ‌بری‌های برجسته آن که با طرح‌های مشبک و اسلیمی و نیم‌ستون‌های برجسته (با طرح مشبک هندسی) و دیگر آرایه‌ها کار شده، در تشابهی آشکار با محراب‌های دوره ایلخانی است که ذکر آن پیش‌تر رفت (تصویر ۳۳).



تصویر ۳۳: تصویر تخت آثار گچبری طاق ایوان جنوبی که با کتیبه‌های خط ریحان و اسلیمی‌های پرکار در زمینه نقش گره و مقرنس‌های ظریف تزئین شده است.

در ادامه اقدامات ایلخانی، آسمانه طاقی ایوانها با مقرنسهای ظریفی پوشیده شد و هریک از اجزای آن، با ظریفترین گچبریها (بهویژه گچبریهای لانه‌زنوری) جلا یافت. نمای جنوبی که پیش‌تر با اسلیمی‌های گچی تزئین شده بود، این بار با نقوش هندسی آجرکاری‌های قالبی و کاشی‌های شش‌گوشه لاجوردی و فیروزه‌ای دگرگون شد. بنابراین دوره سوم الحاقات مسجد، به احتمال فراوان و بر مبنای آنچه تاکنون یافت شده، دوره نهایی الحاقات تاریخی و دوره تکمیل تزئینات بناست. در بیان دلایل احتمالی تکمیل بنا در دوره سوم می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

الف. وجود لایه کتیبه خط کوفی مشجر بر روی لایه کتیبه قدیمی‌تر در دهانه طاق‌های دیواره شرقی ایوان جنوبی که به صورت قرینه در پایه غربی این ایوان نیز دیده می‌شود. با بررسی دقیق جرز غربی ایوان جنوبی و نقوش تزئینی و کتیبه‌های موجود در آن می‌توان از هم‌زمان بودن نوسازی پایه غربی و تزئینات روی آن با دومین سطح از کتیبه‌های کوفی پایه شرقی (کتیبه‌های متأخر) سخن گفت؛ به عبارت بهتر، دهانه پر شده، صرفاً دارای تزئینات (A) بوده، در حالی که در دهانه جنوبی، آثار لایه دوم (B) روی لایه اولیه (A) مشهود است. تزئینات دهانه جنوبی پایه غربی هم‌زمان با این تغییرات، اجرا شده است (تصویر ۳۴).



پایه شرقی (دهانه شمالی) پایه شرقی (دهانه جنوبی) پایه غربی (دهانه جنوبی)

تصویر ۳۴: دوره‌بندی تزئینات پشت‌بغل‌های دهانه‌های طرفین ایوان جنوبی و هم‌زمانی ساخت لایه دوم دهانه جنوبی پایه شرقی (B) با تنها لایه تزئینی موجود در دهانه جنوبی پایه غربی

ب. با نگاهی به ساختار دو جرز غربی و شرقی ایوان جنوبی و وجود محراب گچبری در میانه جرز شرقی (که به احتمال فراوان متعلق به دوره اول ساخت بناست)، می‌توان به این نکته دست یافت که دهانه طاق شمالی جرز شرقی، قرینه‌ای در جداره غربی ایوان داشته است که در حال حاضر دیده نمی‌شود. از جمله احتمالات ممکن در این بخش، تخریب پایه غربی ایوان به دلیل رانش طاق یا وقوع نیروی جانبی زلزله و نوسازی آن در حد فاصل دوره دوم و سوم است. بر همین اساس می‌توان حدس زد که معمار دوره ایلخانی، در جهت مقاوم‌سازی پایه ایوان، اقدام به تقویت جرز از طریق کاهش بازشوها کرده و در گام دوم در جهت قرینه‌سازی طرفین داخلی ایوان، به پر کردن دهانه شمالی جرز شرقی ایوان جنوبی، بدون توجه به وجود محراب گچبری متقدم‌تر، اقدام کرده است (تصویر ۳۱).

ج. از دلایل دیگر تأخر زمانی ساخت پایه غربی، ابعاد متفاوت جرز آن و دهانه طاق غربی است که در مقایسه با جرز شرقی و دهانه طاق کناری آن، حدود ۲۰ سانتی‌متر بزرگ‌تر است.

د. از شواهد دیگر این ادعا می‌توان به متفاوت بودن شیوه آجرکاری در طرفین ایوان اشاره کرد؛ به گونه‌ای که در جرز شرقی آجرچینی با بند مهری (تا ارتفاع ۴ متر) و در جرز غربی، فقط آجرکاری ساده دیده می‌شود. این تغییر نشان‌دهنده تخریب دفعی پایه در طی زلزله و بازسازی آن با حفظ بخش‌های باقی‌مانده در خلال بازسازی‌های دوره ایلخانی است. بررسی تکمیلی بنا، از الحاقی بودن اسپرهای طاق نما (قاب‌بندی با تقسیم دوتایی) در طرفین ایوان‌ها حکایت دارد که احتمالاً هم‌زمان با اقدامات پیش‌گفته یا با تأخیری اندک در ایوان شمالی و جنوبی اجرا شده است. گسستگی و انفصال این طاق‌نماها از پایه ایوان و عدم هشت‌وگیر بودن این دو بخش که از نمای پشت ایوان‌ها به‌سادگی قابل تشخیص است، بر تقدم زمان ساخت پایه ایوان و الحاقی بودن طاق‌نماهای طرفین آن صحنه می‌گذارد. مراجعه به نمای شمالی بنا، چگونگی شکل‌گیری نماهای مسجد را توضیح می‌دهد. با دقت بر تزئینات آجری نما در بخش یادشده، می‌توان تشخیص داد که برخلاف گسستگی در ساختار که در پشت نما دیده می‌شود، دو سطح یادشده، تزئینات هم‌دوره و

پیوسته‌ای در نمای رو به صحن دارند (تصویر ۳۵).



تصویر ۳۵: قاب‌نمای دوتایی غربی ایوان شمالی که به‌رغم گسستگی در ساختار سازه‌ای در هماهنگی با سایر بخش‌های نما، با گره‌سازی درهم تزیین شده است (عمارت خورشید ۱۳۹۰).

بر این مبنا می‌توان چنین گمان کرد که معمار سازنده از تناسب ارتفاعی ایوان‌ها که به‌سبب ابعاد کوچک صحن، بزرگ‌تر نیز دیده می‌شد، رضایت نداشته و برای کاستن از این تناسبات فزاینده و پیش از تکمیل تزیینات نما، اقدام به ساخت طاق‌نماهای اسپر نموده است. همچنین این طاق‌نماها به‌عنوان پشت‌بند ایوان، عملکرد سازه‌ای به خود گرفته و در ساختار سازه‌ای بنا نیز مؤثر واقع شده‌اند. دلیل پیدایش این عناصر هر چه باشد، نتیجه این اقدام، ایجاد سطحی کم‌نظیر از تزیینات گره‌سازی درهم (کاشی‌های نگینی در زمینه آجری) است.

– دوره چهارم؛ مداخلات ساختاری و کالبدی معاصر

اقدامات مرمتی معاصر (دهه ۷۰ شمسی) که به‌صورت بازسازی شبستان شرقی ایوان جنوبی و اجرای ستون‌های میانی شبستان احتمالی موجود در طرفین غربی و شرقی صحن میانی صورت گرفته است، دوره چهارم الحاقات و تغییرات کالبدی مجموعه به شمار می‌رود. اقداماتی که با توجه به فقدان اسناد و شواهد متقن، و نیز وجود نداشتن شواهد پی‌ساختی در زیر پایه‌ها، چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. این ساخت‌وسازها در جهت شرقی ایوان جنوبی، منجر به ساخت شبستان با طاق آهنگی عمود بر راستای ایوان [بدون ارائه سند و مدرک متقن] شده است. از طرف دیگر، جرزهای ناتمام و طاق‌بندی‌های موجود در طرفین غربی و شرقی صحن که در پس سه دهانه طاق و چشمه تاریخی اجرا شده، از الحاقات دوره چهارم الحاقات بناست (تصویر ۳۶).



تصویر ۳۶: موقعیت الحاقات معاصر بنا که در دهه ۵۰-۷۰ شمسی بدون اسناد متقن و شواهد تاریخی ساخته شد (عمارت خورشید ۱۳۹۰).

۶. یافته‌های پژوهش، تحلیل و مقایسه با داده‌های پیشین

نتایج بررسی‌های اسنادی و میدانی پژوهشگران و قیاس این نتایج با مطالعات پیشین، نشان می‌دهد به‌رغم تأکید پژوهشگرانی چون گدار، پیرنیا، کیانی و اکبری مبنی بر تعلق بنا به دوره خوارزمشاهی، با استناد به نوشته‌های بیهقی، می‌توان از حضور قطعی بنا در حدود سال ۵۵۰ق (زمان نگارش کتاب تاریخ بیهقی) اطمینان داشت. گدار به‌رغم اشاره صحیح به ویژگی‌های مساجد ایوانی خراسان در مقایسه تهرنگ مسجد فرومد با مساجدی چون بامیان و زوزن، به احتمال ساخت بنا در قرن ۷ق، و در بخش دیگری از مطالعات خود، با بررسی تطبیقی آثار تزیینی بنا با بقعه جلال‌الدین در اوسگن، مقبره سلطان سنجر در مرو و رباط شرف، به تعلق احتمالی بنا به قرن ۷ق اشاره کرده است.

کیانی و اکبری ضمن مطالعات تطبیقی خود، مسجد جامع فرومد را هم‌ردیف مساجد جامع زوزن و گناباد در زمره بناهای دویوانی دوره خوارزمشاهی طبقه‌بندی کرده و دلیل این امر را در شباهت گره‌سازی‌های آجری و کاشی‌های فیروزه‌ای این ابنیه دانسته‌اند. بررسی دیدگاه ویلبر، آشکارا نشان‌دهنده تمایز دیدگاه او با دیگر پژوهشگران است. او بر ساختار تک‌ایوانی مسجد سلجوقی تأکید داشته و معتقد است بنا در دوره ایلخانی و در جریان بازسازی و نوسازی‌های حدود سال‌های ۷۲۰ق، ساختار دویوانی امروزی خود را یافته است. ویلبر با بررسی دیواره شرقی ایوان جنوبی (آجرکاری دوتایی با بند مهری) و همچنین تشخیص محراب اولیه در پشت محراب ایلخانی و نیز بررسی آثار گچ‌بری بنا با مجموعه بایزید بسطامی و مقبره الجایتو، تاریخ تجدید بنا را بدون اشاره به بنیان و حامیان ساخت بنا، به دوره ایلخانی نسبت داده است. نکته جالب توجه در این موضوع، تشابه فکری پیرنیا و ویلبر در وجود دوره‌های الحاقی در بناست؛ به طوری که پیرنیا نیز معتقد است که ساختار دویوانی مسجد، از آغاز چنین نبوده و در پی حذف و الحاقات متأخر (بدون اشاره به دوره ایلخانی) چهره دویوانی به خود گرفته است. ابراهیم زارعی با تأیید دیدگاه ویلبر، بنای اولیه را به اواخر دوره سلجوقی یا اوایل دوره خوارزمشاهی نسبت داده و معتقد است که این مسجد، مهم‌ترین اثر به‌جامانده از علاءالدین محمد فرومدی است.

پژوهشگران ضمن مطالعه تمامی اسناد معاصر در مورد بنا، به متن متقنی از ابوالحسن بیهقی دست یافتند که نشان‌دهنده حضور قطعی بنا در دوره سلجوقی است. بیهقی در کتاب تاریخ بیهقی که به تاریخ ۵۵۰ق نگاشته شده، در شرح مساجد جامع ولایت بیهقی به حضور مسجد آدینه‌ای نیکو در ربع فریومد اشاره نموده و داستان سرو فریومد را به تفصیل بیان کرده است. سندیت این نوشته، با یادآوری حضور محراب کوچک پایه شرقی که ساختاری ابتدایی‌تر و بی‌پیرایه‌تر از محراب اصلی دارد، آشکارتر شده و تعلق زمانی بنا به قرن هفتم و دوره خوارزمشاهی را رد می‌کند. از سوی دیگر، به‌منظور تعیین دوره‌های توسعه بنا و اثبات یا رد فرضیه‌های پیشین در مورد ساختار یک یا دویوانی مسجد، بررسی‌های میدانی و اسنادی دقیق‌تری صورت گرفته و نتایج زیر مشخص شد:

- مطالعات تاریخی و بررسی‌های اسنادی دیوان ابن یمین فریومدی، تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی، جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله، تاریخ الجایتو عبدالله کاشانی در ذکر اقدامات علاءالدین محمد هندو (فرومدی) و نیز شواهد میدانی خرابه‌های عمارت شهرستان، شواهد محکمی از حمایت مالی خواجه علاءالدین محمد به دست آمده که تأییدکننده مفروضات شیلا بلر و ابراهیم زارعی است. با بررسی تاریخ وزارت خواجه علاءالدین (۷۱۶-۷۳۶ق) و ساخت عمارت شهرستان در این دوره، می‌توان نظر دونالد ویلبر مبنی بر تاریخ تجدید بنا در حدود سال‌های ۷۲۰ق را مورد تأیید قرار داد. متأسفانه به‌دلیل تخریب کتیبه‌های تاریخ‌دار، امکان تدقیق زمانی این اقدامات وجود ندارد.

- با بررسی کتیبه موجود در بالای محراب، نام سازنده یا صنعتگر گچ‌بر بنا که در نوشته‌های گدار و ویلبر، عمل علی و در نوشته کیانی، الحاجی السمنانی خوانده شده، «علی ابن محمد محمود الجمالی شهرستانی» تشخیص داده شده است.

- با بررسی شواهد موجود از دوره‌های مداخلاتی در بنا به‌ویژه در ایوان جنوبی و مقایسه تطبیقی شیوه آجرکاری پایه‌های غربی و شرقی ایوان جنوبی و دو لایه گچ‌بری روی پشت‌بغل‌های درگاهی‌های این ایوان و نیز سونداژهای صورت‌گرفته در ایوان‌ها، طاق‌گان غربی و شرقی و پایه‌های الحاقی معاصر، دیدگاه ویلبر مبنی بر ساختار تک‌ایوانی بنای

اولیه مسجد و بازسازی‌های دوره ایلخانی مورد تأیید قرار گرفت. اهمیت مطالعات پژوهشگران بر ارائه اسناد و شواهد دقیق‌تر در مقایسه با مفروضات ویلبر است که مبتنی بر انجام آزمایش‌های مصالح‌شناسی و پی‌گردی است که ویلبر و دیگر پژوهشگران به آن‌ها دسترسی نداشته‌اند.

- با بررسی ساختار زمین‌شناسی و غسل‌های فعال منطقه و همچنین تاریخ زمین‌لرزه‌های بزرگ خراسان در محدوده قرون ۱۵هـ.ق و مقایسه تطبیقی شواهد تخریب آسمانه بناهای مشابه در خسروشیر، قائن، زوزن، گناباد، سنگان و تخریب پوشش‌ها و وجود شواهد ترک‌های ساختاری و اعوجاج پایه‌های باربر مسجدجامع فرومد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بنای اولیه احتمالاً در طی زمین‌لرزه‌های سال ۶۰۵ق و ۶۶۹ق با شدت بیش از ۶ ریشتر تخریب شده و در طی دوره ایلخانی با حمایت مالی علاءالدین محمد فرومدی، مورد بازسازی‌های وسیع قرار گرفته است.

- ارائه شواهد جدید از مداخلات دوره ایلخانی، به‌ویژه در تشخیص آثار کتیبه‌های خط کوفی درگاهی‌های ایوان جنوبی و هم‌زمانی دوبه‌دوی این آثار با یکدیگر، تفاوت در نوع مصالح به‌کاررفته در ساخت پی و تفاوت ابعاد شالوده بنا در بخش‌های مختلف آن از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش حاضر است که در مطالعات پیشین دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد یافته‌های جدید، ضمن رد اغلب پژوهش‌های گذشته، با تأیید دیدگاه ویلبر، درک دقیق‌تری از ساختار معماری، حامیان و بانیان ساخت و دوره‌بندی توسعه بنا ارائه داده است.

- تأکید ویژه پژوهشگران بر ارائه اسناد دقیق بنا و بهره‌گیری از تکنیک‌های جدید (اسکن لیزری و فتوگرامتری برد کوتاه) و مستندنگاری‌های بسیار دقیق ساختار معماری و تهیه تصاویر تخت نماها و آثار تزیینی بنا، از مهم‌ترین ویژگی‌های پژوهش حاضر است که امکان مطالعات آتی را برای دیگر پژوهشگران فراهم آورده است.

- همچون هر پژوهش دیگر، مطالعات حاضر با ابهاماتی مواجه است. فقدان کتیبه‌های تاریخ‌دار در بنا و تخریب تاریخ مندرج در دو محراب بنا از یک سو و فقدان هرگونه اطلاعات اولیه از علی بن محمد شهرستانی (معمار بنا یا هنرمند گچ‌بر) و آثار دیگر او، از مهم‌ترین این ابهامات است که دستیابی به آن‌ها می‌تواند درک روشن‌تری از مسجدجامع فرومد را ارائه دهد.

نتیجه

اگرچه پرونده ثبتی بنا و اکثر گزارش‌ها و مکتوبات موجود، ساخت بنای مسجدجامع فرومد را به قرن هفتم و دوره خوارزمشاهی نسبت داده‌اند، یافته‌های جدید پژوهشگران و از آن جمله آجرکاری هم‌چین پایه شرقی ایوان جنوبی (و نقش ترنج هشت‌گوشه و غیره) و نیز گزارش ابوالحسن بیهقی از مسجد آدینه فرومد و برگزاری نماز جمعه در آن، بر این موضوع تأکید دارد که پی‌ریزی بنا در دوره سلجوقی یا پیش از آن صورت پذیرفته است. بر اساس شواهد موجود، مسجد اولیه، ساختاری تک‌ایوانی داشته که در طی زمین‌لرزه‌های تاریخی منطقه (احتمالاً در زلزله سال ۶۴۹ق یا ۶۶۹ق)، ویران شده است. وجود تنها یک لایه تزیینی در ایوان شمالی در قیاس با حداقل سه لایه تزیینی موجود در ایوان جنوبی، تفاوت در ابعاد هندسی ایوان‌های شمالی و جنوبی، خارج از محور بودن ایوان شمالی به نسبت ایوان جنوبی و تمایز شیوه آجرکاری دو ایوان، تفاوت در نحوه تزیین مقرنس ایوان‌های شمالی و همچنین شیوه‌های مختلف نظام پی‌سازی، بر الگوی تک‌ایوانی مسجد اولیه و تبدیل آن به مسجد دوایوانی در دوره‌های متأخرتر تأکید دارد. با توجه به یافته شدن لایه ظریفی از تزیینات گچی بر روی آجرکاری‌های زیرین دوره سلجوقی، که خود زیر لایه آجرکاری‌های قالبی دوره متأخرتر مدفون شده است، می‌توان چنین استنتاج کرد که در اواخر دوره سلجوقی یا دوره خوارزمشاهی، اقداماتی در جهت غنابخشی به بنا صورت گرفته است.

در دوره ایلخانی و با ظهور وزیر قدرتمند و صاحب‌مقام، علاءالدین محمد هندو (فرومدی) و توجه وی به زادگاهش، فرومد ارج‌وقربى بیش از گذشته یافته و مکانی برای قدرت‌نمایی علاءالدین شد. او در مدت وزارت خود (۷۱۶-۷۳۶ق)، علاوه بر احداث عمارت شهرستان (کاخ اقامتگاهی)، دارالشفا و دارالکتاب در زادگاه خود، حامی مالی عملیات بازسازی و نوسازی مسجد کهن فرومد گردید. بر اساس کتیبه‌ای که بر فراز محراب منحصربه‌فرد ایوان جنوبی قرار دارد، اقدامات

نوسازی زیر نظر استاد علی بن محمد المحمود الجامی الشهرستانی صورت گرفته است. در طی مداخلات دوره ایلخانی، با حفظ بخش‌های باقی‌مانده از تخریب ناشی از زمین‌لرزه، ایوان جنوبی بازسازی شده و ایوان شمالی برای اولین بار احداث شد. همچنین با شکل‌گیری طاقگان سه‌چشمه‌ای در طرفین غربی و شرقی صحن، ساختار کالبدی بنا تکمیل شده و جداره‌های بیرونی و داخلی با آجرکاری قالبی و گچ‌بری‌های پرکار و ظریف، تزئین شد. در خاتمه ضروری است بر این نکته تأکید گردد که اگرچه پژوهش حاضر با حمایت پژوهشگاه میراث فرهنگی، با انجام بررسی‌های دقیق میدانی، پی‌گردی، نمونه‌برداری از مصالح ساخت و انجام مطالعات آزمایشگاهی، بخشی از ابهامات مربوط به تاریخ ساخت مسجدجامع فرومد و دوره‌بندی توسعه آن را رفع کرده است، تخریب کتیبه‌های تاریخ‌دار در بنا و فقدان هرگونه اطلاعات اولیه از معمار(ان) و صنعتگران دخیل در ساخت بنا و دیگر آثار آن‌ها، همچنان مبهم بوده و نیازمند بررسی‌های آتی است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد پژوهش‌های آتی با هدف مقایسه تطبیقی تزیینات بنا با دیگر ابنیه تاریخ‌دار سلجوقی و ایلخانی و تحلیل ساختار ویژه مساجد دوايوانی خراسان، در تدقیق یافته‌های حاضر مؤثر واقع گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بررسی‌ها نشان می‌دهد سه محله یادشده، پسند (واقع در بخش شرقی مسجدجامع)، کوچه بالا (واقع در بخش غربی مسجد) و جنان (واقع در بخش جنوبی مسجدجامع تا حدفاصل باغات روستا) نام دارند. نام این محلات در اشعار ابن یمن فرومدی نیز ذکر شده است.
۲. مسجدجامع فرومد در تاریخ ۱۳۲۱/۰۳/۲۸ تحت شماره ۳۴۵ و با قدمت خوارزمشاهی، در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.
۳. گذار با مقایسه تطبیقی مسجدجامع فرومد با بناهای رباط شرف، بقعه جلال‌الدین در اوسگن و بقعه سلطان سنجر در مرو و ارائه تاریخ ساخت این بناها بر احتمال ساخت بنا در قرن ششم تأکید می‌کند؛ هرچند نوشتار خود را با این جمله از یاقوت حموی به پایان می‌برد که «احتمال می‌رود این مسجد در قرن هفتم هجری (۱۳ میلادی) ساخته شده باشد».
۴. ویلبر معتقد است که آندره گذار در مطالعه این بنا، تاریخ قدیمی‌تری برای آن معین کرده و معتقد است که خصوصیات معماری خراسان در این ساختمان، مستلزم آن است که تاریخ آن را نزدیک به چند ساختمان تاریخ‌دار قرن دوازدهم [مساجد کتاباد و زوزن و...] قرار دهیم، ولی چون فریومد فقط در دوره ایلخانان کسب اهمیت کرد، این مسجد باید متعلق به قرن سیزدهم باشد. همچنین گذار عقیده دارد که بین ساختمان ایوان جنوبی و بقیه بنا فاصله زمانی وجود نداشته و این تعمیرات در نظر او، به وسعتی که در این شرح مختصر اشاره شد، نبوده است.
۵. حسن پیرنیا سرزمین پارت را خراسان کنونی دانسته و اضافه می‌کند: «سرزمین پارت از جنوب شرقی دریای گرگان، صفحه باریکی به طرف شرق امتداد دارد و این منطقه از طرف شمال و جنوب بین کورها و بیابان‌های لم‌بزرع واقع است. پارت قدیم شامل ولایات کنونی دامغان، شاهرود جوین، سبزوار، نیشابور و... است» (پیرنیا ۱۳۷۰، ۱۵).
۶. این محراب (سلجوقی) که متقدم بر محراب مستقر در میانه ایوان جنوبی است، در خلال عملیات بازسازی و مرمت مسجدجامع فرومد زیر نظر مصطفی دانشور تهرانی، طی مرمت‌های استحقاقی دهه ۶۰ تا ۸۰ شمسی یافته شده است.
۷. برای آشنایی بیشتر با چهار دسته از افراد صاحب‌نفوذ در ساخت بناها، نک: بلر ۱۳۸۷.
۸. در کتاب فرهنگ جامع تاریخ ایران، علاءالدین محمد این‌گونه معرفی شده است: «از وزرا و مستوفیان مشهور عهد ایلخانیان مغول. ابو سعید بهادرخان (سلطنتش ۷۱۷-۷۳۶ق) او را یک چند با خواجه غیاث‌الدین محمد بن رشیدالدین در شغل وزارت شریک کرد. پس از آن، دیگر بار او را به شغل سابق فرستاد و چندی بعد وزارت خراسان را به او داد. بعد از وفات سلطان ابوسعید، وی نزد طغایمورخان رفت و مقارن ظهور امیر عبدالرزاق سربداری به دفع او برخاست و کشته شد» (قدیانی ۱۳۸۷، ۵۹۴). عبدالرزاق از علاءالدین محمد ارباب به‌خاطر مسائل شخصی انتقام سختی گرفت (اسمیت ۱۳۶۱، ۱۲۳).

منابع

– آمبرسیز، نیکلاس، و ملویل، چارلز. ۱۳۷۰. تاریخ زمین‌لرزه‌های ایران، ترجمه ابوالحسن رده. تهران: آگاه.

- ابن اثیر، عزالدین بن حسن بن عبدالوهاب شیبانی. ۱۳۸۵. *الکامل فی التاریخ*. ترجمه سید محمدحسین روحانی. ۱۳۸۰. تهران: اساطیر.
- ابن یمین، فخرالدین محمود بن یمین‌الدین طغرابی فرمودی. ۱۳۴۴. *دیوان اشعار*. تصحیح حسینعلی باستانی راد. تهران: سنایی.
- اسمیت، جان ماسون. ۱۳۶۱. *خروج و عروج سرداران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: واحد مطالعات و تحقیقات فرهنگی و تاریخی.
- اسمیت، اریش فردریش. ۱۳۷۶. *پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران*. ترجمه آرمان شیشه‌گر. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- اکبری، پریش. ۱۳۷۶. *بررسی نقوش مساجد دوره خوارزمشاهی*. روزنامه اطلاعات، ۶ بهمن.
- افرون، قدیر. ۱۳۸۵. *سهم خراسان در پیدایش، رواج و رشد و تعالی هنر ایرانی-اسلامی*. کتاب ماه هنر، ش. ۹۱-۹۱: ۷۴-۸۶.
- بلر، شیلا. ۱۳۸۷. *معماری خانقاه شیخ عبدالصمد نطنزی*. ترجمه ولی‌الله کاووسی، تهران: فرهنگستان هنر.
- بویل، جان اندرو. ۱۳۹۷. *تاریخ ایران کمبریج: دوره مغول*. ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب.
- بیهقی، ابوالحسن. ۱۳۶۱. *تاریخ بیهقی*. تصحیح احمد بهمنیار. تهران: فروغی.
- پتروفشکی، ایلینا. ۱۳۶۵. *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران در عهد مغول*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: دانشگاه تهران.
- یوسپورت، کیلفورد. ۱۳۷۱. *سلسله‌های اسلامی*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۲. *سبک‌شناسی معماری ایران*. به کوشش غلامحسین معماریان. تهران: سروش دانش.
- پیرنیا، حسن. ۱۳۷۰. *ایران باستان*. تهران: دنیای کتاب.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۶. *معماری اسلامی*. به کوشش غلامحسین معماریان. تهران: سروش دانش.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین. ۱۳۹۰. *جغرافیای خراسان (ربع هرات)*. تصحیح سید علی آل داوود. تهران: سخن.
- حقیقت، عبدالرفیع. ۱۳۸۵. *وزیران ایرانی از بزرگمهر تا امیرکبیر*. تهران: کومش.
- _____ . ۱۳۹۰. *تاریخ جنبش سرداران و دیگر جنبش‌های ایرانیان در قرن هشتم*. تهران: کومش.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. ۱۳۸۰. *تاریخ حبیب‌السییر*. تصحیح جلال‌الدین همایی. تهران: خیام.
- زارعی، محمدابراهیم. ۱۳۹۰. *فریومد و مسجدجامع آن*. *مطالعات باستان‌شناسی* ۳ (۲): ۹۳-۱۲۸.
- زنگنه قاسم‌آبادی، ابراهیم. ۱۳۷۸. *تاریخ و رجال شرق خراسان*. تهران: خاطر.
- سمرقندی، دولت‌شاه بن بختیشاه. ۱۳۸۲. *تذکره الشعرا*. به کوشش ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- شریفی، آزاده، و حسن راهنمای. ۱۳۸۶. *بررسی نقوش مساجد دوره خوارزمشاهی*. کتاب ماه هنر، ش. ۱۰۹-۱۱۰: ۳۲-۴۱.
- شکفته، عاطفه. ۱۳۹۱. *بررسی ویژگی‌های شاخص بصری تزیینات گچ‌بری دوره ایلخانی*. نشریه *مطالعات معماری ایران* ۱ (۲): ۹۸-۷۹.
- شیرازی، عبدالله بن فضل‌الله شیرازی. ۱۳۴۶. *تحریر تاریخ و صاف*. تصحیح عبدالحمید آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عمارت خورشید، مهندسان مشاور. ۱۳۹۰. *طرح مرمت آرکئولوژیک مسجدجامع فرمود*. گزارش طرح پژوهشی. تهران: عمارت خورشید.
- فریومدی، ابن یمین. ۱۳۴۴. *دیوان اشعار*. تصحیح حسینعلی باستانی راد. تهران: سنایی.
- قدیانی، عباس. ۱۳۸۷. *فرهنگ جامع تاریخ ایران: از ورود آریایی‌ها تا پایان عصر پهلوی*. تهران: آرون.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد. ۱۳۹۰. *تاریخ الحیاتو*. تصحیح مهین حمبلی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۷۴ الف. *هنر معماری در دوره اسلامی*. تهران: سمت.
- _____ . ۱۳۷۴ ب. *معماری و هنر ایران در دوره اسلامی*. تهران: سمت.
- گدار، آندره و دیگران. ۱۳۷۱. *آثار ایران*. ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- گدار، آندره. ۱۳۴۷. *مسجد فرمود سبزوار*. ترجمه تقی بینش. *نامه آستان قدس* ۴ (۳۷): ۹۳-۱۲۹.
- _____ . ۱۳۷۷. *هنر ایران*. ترجمه بهروز حبیبی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی ایران.
- مستوفی قزوینی، حمدالله. ۱۳۳۶. *نزهة القلوب*. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: طهوری.
- ملویل، چارلز. ۱۳۶۱. *زلزله‌ها در تاریخ نیشابور*. ترجمه ترکاندخت ثقل‌الاسلامی و باقر شیرازی. اثر ۳ (۹۷): ۴۹-۷۳.

- مؤلفان. ۱۳۶۹. تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی از مانی تا کمال الملک. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مولوی، عبدالحمید. ۱۳۷۰. تاریخ قومس. تهران: انتشارات کومش.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود. ۱۳۸۰. تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبیا والملوک والخلفا. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- ویلیبر، دونالد. ۱۳۶۵. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان. ترجمه عبدالله فریار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Archnet.org



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات معماری ایران

دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۱۹ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

۱۹۲

■ The Evolution of the Faryumad Mosque emphasizing Ilkhanid-era Interventions

Kaveh Mansoori

Ph.D., Conservation and Restoration of Architectural Heritage, Faculty of Conservation and Restoration, Art University of Isfahan

Faramarz Parsi

M.A., Architecture, Faculty of Architecture and Environmental Design, Iran University of Science and Technology

Farshid Rahimi Kalahroudi

M.A., Conservation and Restoration, Faculty of Conservation, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

The Jami Mosque of Faryumad is a two-*iwan* mosque in Greater Khorasan, which is located in the Jovein district, at the center of the historical village of Faryumad. Although existing studies regarding the building emphasize the existence of multiple periods of construction unanimously, there are various opinions about the date of construction, development of the building, and patrons and artisans involved in the construction. It is certain, however, that there were periods of physical modifications of the original mosque and other transformations in later periods due to severe earthquakes in the region. The present study aims to investigate the date of construction of the original mosque, the history of periodic additions and physical developments, and the persons who were involved in the construction of the mosque. The main research strategy is using the descriptive-analytical approach. The researchers performed accurate field studies, comprehensive documentation of the building, follow-up studies, laboratory studies, and reviewed and analyzed existing and historical documents. According to the findings, although existing decorations reflect the Il-khanid style (fourteenth century AH), the original mosque is assumed to have been built in the Seljuk period (twelfth century AH) or earlier. Based on evidence, the original mosque had a single *iwan* which was destroyed by earthquakes. During the Il-khanid period, with the advent of the powerful minister Ala' ad-Din Mohammad Faryumadi and because of his attention to his hometown, the town gained more credibility and reflected the new minister's glory and power. During his ministry (716-736 AH), in addition to the construction of the Shahrestan mansion (residential palace), a hospital, and a library in his hometown, he became the financial sponsor of the ambitious renovation of the old mosque. According to the inscription at the top of the magnificent *mihrab* on the south *iwan*, 'Ali ibn Mohammad al-Mahmoud al-Jami al-Shahrestani was in charge of the restoration of the mosque. After the damages caused by an earthquake, during the interventions of the Il-khanid period, the south *iwan* was reconstructed and the north *iwan* was built for the first time, and the intact parts were preserved. Also, with the formation of the three-bay arches on the west and east sides of the courtyard, the physical structure of the building was completed and the external and internal surfaces of walls were covered with molded brickwork and delicate gypsum decorations.

Keyword: Jami Mosque of Faryumad, construction date, development period, sponsors and artisans, Seljuk and Ilkhanid dynasty